

# خاتمیت

و پاسخ به ساخته های

بهائیت

باملحقات و ضمایم تازه

بخش دوم :

تشبثات بهائیه در توجیه قیامت به برخی روایات

تألیف:

علی امیرپور

سازمان چاپ و انتشارات مرجان

تهران- صندوق پستی 249

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

به نام خدا  
اللهم عجل لوليك الفرج

[www.bahaismiran.com](http://www.bahaismiran.com) پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

با سلام  
تدیرو ورود شما دوستان گرامی که در راستای مبارزه با جهان کفر و اسلام ستیزانی همچون بهائیان گامهایی نو برداشته  
اید را تبریک گفته و از خداوند متعال پیروزی روز افزون شما را در این عرصه خواستار است.  
درضمن این پایگاه ( اینترنتی بهائیت در ایران [www.bahaismiran.com](http://www.bahaismiran.com) ) آمادگی کامل  
همکاری در جهت افزایش غنای علمی با کلیه عزیزان فعال در این عرصه را اعلام نموده و انتظار عمل متقابل از سوی  
دوستان را نیز دارد.  
و از شما عزیزان انتظار تبلیغ سایت بهائیت در ایران را که یک سایت جامع در زمینه ارائه کتب ، مقالات ، سخنان و  
خاطرات متبریان از بهائیت ، تصاویر، صوت ، فیلم ،... و هر گونه سندی که در جهت افشاگری بر علیه فرقه ضاله بهائیت  
می باشد را دارد.  
امید آنکه بتوان در جهت روشننگری اذهان مسلمین و تنویر افکار فریب خوردگان این فرقه ضاله گامهایی ارزشمند  
برداشت.  
موفق باشید

منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

[bahaismiran@bahaismiran.com](mailto:bahaismiran@bahaismiran.com)

[bahaismiran@gmail.com](mailto:bahaismiran@gmail.com)

[info@bahaismiran.com](mailto:info@bahaismiran.com)

[bahaism1@yahoo.com](mailto:bahaism1@yahoo.com)

[www.bahaismiran.com](http://www.bahaismiran.com)

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

# فهرست عناوین

- تشبثات بهائیه در توجیه قیامت به برخی روایات
- امام
- پاسخ
- تجدید شریعت
- استدلال به آیات
- احادیث
- آئینه ی رحمان
- قسمت پنجم
- روز خدا و رب
- مهدی و عیسی
- چگونه اعتراض می کنند؟
- عقل چه می گوید؟

pdfMachine

**A pdf writer that produces quality PDF files with ease!**

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

## به پیشگاه مقدس حضرت بقیةالله ارواحنا فداه تقدیم می گردد.

سبحانک اللهم وبحمدک جل ثنائک لاحمی ثنائاً علیک انت کما تئیت علی نفسک صل علی التجلی الاعظم و ضیاء بهائک  
الاقدم و جلال قدسک الاسنی الاکرم سدولد آدم و مطلع البیت و الحرم محمد الرسول الخاتم و علی اوصیائه النجوم  
الزهر و الحجج علی جمیع البشر سیمالعدل المشتهر و الغائب المنتظر و الحجة الثانی عشر شمس الظلام و ربیع الانام و صاحب  
الصمصام و فلاق الهام معز الاولیاء و مذل الاعداء و قاطع حبائل الکذب و الافتراء و الذی یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت  
ظلماً و جوراً و لعنک الدائم علی من عاندک و عاداک من اول الاولین الی اخر الاخرین.

تقریظ از دانشمند محترم

جناب آقای محمد تقی شریعتی مزینانی

استاد دانشگاه مشهد

## مقدمه ی چاپ دوم

چاپ اول این کتاب در اسفندماه سال 1340 بتوصیه و امر مؤکد موالیان و اساتید گرام، که هر قدم کوچک را در راه دین با عین عنایت و اغماض از معایب می نگرند و آنرا ثمر بخش می سازند انجام شد و اقدام به این کار که نه با سائقه ی احساس دینی و با اعتماد به حسن ظن ارباب فضل شروع شده بود، با تقدیر و تشویق و استقبال عده ای از برادران ایمانی مواجه گردید و پیش از استحقاق مورد عنایتم قراردادند. و اینکه که نسخ چاپ اول تمام شده بدرخواست و همت سازمان محترم مطبوعاتی مرجان که اول بار نیز پیشقدم در این کار خیر گردید، طبع دوم کتاب حاضر با ملحقات و اضافاتی در دسترس علاقمندان قرار می گیرد، باشد که این اثر ناچیز مورد قبول حضرت بقیةالله (عج) قرار گیرد.

علی امیرپور

دوازدهم آبانماه 1343

مشهد مقدس

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

# بخش دوم

## تشبثات بهائیه در توجیه قیامت به برخی روایات

مؤلف خاتمیت به تبعیت از گلپایگانی صاحب فرائد و بهاء الله به منظور توجیه قیامت بقیام قائم متمسک به روایاتی شده است که نه تنها دلالت بر مدعای مذکور ندارد بلکه همان روایات بزیان مدعای بهائیت و متضمن تفکیک موضوع قیام قائم (ع) از مسئله ی قیامت است، و اینگونه تشبثات غلط و مغالطه امیز همواره شیوه ی مستمر اهل باطل و بدعت گذاران بوده که نمونه های زیاد در آثار باب و هباء وجود دارد و از آنها به پیروان سرایت نموده و نگارنده در طول مطالعه ی آثار این طایفه به این نکته کاملاً واقف یافته که کلیه ی دعاوی آنها که بصورت برهان اقامه می گردد خالی از این حیث نبوده، و نی توان حتی یک ایه یا یک روایت از آنچه را بر مقصود خود استفاده نموده اند به ادنا وجهی موافق با دعوت انان یافت، و جای بسی عبرت و شگفتی است که محققین اهل بهاء چگونه در مسیری که می روند خود را با این مبانی سست و متزلزل قانع می سازند، و ایام ممکن است گروهی بنام دین که شرط اول ان تقوی است با مقدمات غلط و الوده به غرض به نتایج صحیح برسند؟

بخاطر دارم در حدود سنه ی 133. شمسی عصر یکی از روزهای تابستان اتفاق ملاقاتی بایکی از مبلغین نامی بهائیان (1-خ) دره شهد دست داد، و پیداست موضوع صحبت کیش بهائیت بود، این بنده از ان مبلغ که مرد فاضلی بود پرسیدم که بهاء الله در ایقان ایه ای از قران مجید آورده، به این مضمون: «یوم یأتی الله فی ضل من الغمام» و تصریح دارد که این مضمون در قران است و ما هر چه جستجو کردیم چنین ایه ای در قران نیافتیم، بلکه معلوم گردیده بهاء الله ایه ای از قران را تحریف نموده، و ایه صحیحاً در سوره ی بقره چنین

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

است: «هل ينظرون الا ان يأتهم الله في ظلل من الغمام» این دروغ بین واشکار را شما از بهاء الله که مدعی مقام رسالت و بلکه ظهور خود را ظهور الله می داند چگونه تلقی می کنید، آیا دروغ و تحریف را در کلام خدا منافی مقام نبوت نمی دانید و یا اینکه این کلام را دیگری در ایقان بنام بهاء الله آورده است؟ پاسخ داد که بهاء الله از قران عبارتی را نقل بمعنی در ایقان آورده است!!

از این پاسخ بحیرت فرورفتم، زیرا وی را مردی عامی و نادان نمی دانستم و با این جواب باید قبول می کردم که آن مبلغ بهائی برای حفظ مقام تاچه پایه خود را تزلزل داده و حیثیت علمی اش را ندیده گرفته و حرفی به این سستی می گوید، سپس به نامبرده تذکر دادم که معنی نقل بمعنی انست که معنی و مفهوم هر دو عبارت (ایه ی قران و مضمون عبارت بهاء در ایقان) یکی باشد، و حال آنکه ترجمه ی ایه ی قران که بهاء الله آن را تحریف نموده اینست: «ایا انتظار می برند این که بیاد خدا انان را در سایه بانهای از ابر» یعنی کفار انتظار امر محالی را می برند، و ایات الهی که بوسیله پیغمبر بر آنها ظاهر شد کافی برای گرویدن آنها نبود که حالا انتظار می کشند خداوند خود در سایه ی بانهای ابر بر آنها نازل گردد. یا بنابه تفسیری انتظار قیامت و آخرت را می برند و عبارت بهاء الله در ایقان که بقران بسته است چنین معنی می بخشد: «روزی که بیاید خدا در سایه بانهای از ابر» (1) خوانندگان محترم تصور می فرمایند نامبرده در پاسخ نگارنده چه گفت؟ و چه عذری برای تحریف بهاء الله در ایه ی کریمه ی قران آورد، وی که بیش از افراد معمولی بهائی بایستی به مضمون دستور پیشوای خود (بهاء الله) که گفته است:

«عاشروامع الادیان بالروح والریحان» رعایت ادب و متانت را بنماید و جواب قانع کننده بدهد، در حالیکه از عصبانیت رنگش پریده و بر خود می لرزید با خشونت عذر مرا از مجلس خواست تا جائیکه سایر بهائیان حاضر در آن خانه ناراحت و ملول شدند و از من پوزش خواستند.

باری مقصود از ذکر این داستان آن بود که مبلغین امر بهاء غالباً با علم بر بطلان این طریقه در آن گام بر می دارند و لذا هیچ امری ولو تحریف و دروغ مخیانت را منافی با امر دین نمی شمارند.

1- ظلل جمع ظله و بمعنی سایبان می باشد (الظله ج ظلل و ظلال. المظله الضیقه ما یستنظل به من الحر، و البرد) «المنجمد» و به معنی سایه هانیامده و ظل به اضلال جمع بسته می شود، بمعنی سایه ها و حضرت بهاء الله اشتباه فرموده و ظل را (سایه ها) معنی نموده اند.

حدیث اول- در رساله ی خاتمیت حدیثی به این مضمون «اذا قام القائم قامت القيامة» نقل گردیده مؤلف آن را دلیل آورده بر اینکه قیامت عبارت از قیام قائم می باشد.

اولا- بر عهده ی مؤلف است که سنن این حدیث را ذکر نماید و تا سنن معلوم نشود بر هیچ امری دلیل نخواهد شد.

ثانیا- بر فرض صحت حدیث تمسک به خبر واحد و امر قیامت در برابر نصوص محکمه، قرانی و روایات متواتره که عمود دلالت بر تفکیک مسئله ی قیامت از قیام قائم (ع) دارد غلط و خطا است.

ثالثا- مضمون روایت مذکوره به هیچ وجه افاده ی انرانی کند که قیام قائم عین قیامت باشد، بلکه از این حدیث مقارنت زمان ظهور قائم (ع) و قیامت استفاده می گردد، زیرا عبارت دارای جمله ی شرط و جزا است و جزای آن جمله ی قامه القیامة می باشد، و هیچگاه ممکن نیست که جمله ی شرطیه و جمله ی جزائی که هر یک دارای مفهوم جداگانه هستند دارای یک مصداق باشند، بلکه دو مفهومند و دو مصداق دارند، مثلاً هر گاه گفته شود اگر زید بیاید عمر و خواهد آمد، در این جمله مفهوم زید غیر از مفهوم عمر و است، و زید غیر از عمر و خواهد بود، و آمدن عمر و موقوف و مشروط به آمدن زید گردیده، و در عبارت حدیث نیز قیام قائم یک مفهوم است و قیام قیامت که مشروط به جمله ی اول شده مفهوم دوم، و این

دومفهوم دومصداق دارند، در واقع در این حدیث وقوع قیامت مشروط بقیام قائم (ع) گردیده، آنچه در روایت آمده «اذمات ابن ادم قامت قیامة» وقتی فرزند ادم بمیرد قیامت او برپا می شود.

پیداست که منظور از این حدیث این است که انسان پس از مرگ کیفر کردار زشت و پاپاداش کارهای نیک را که انسان پیش از مرگ انجام داده معاینه خواهد کرد، و کسی نگفته که مرگ ادمی و قیامت یک حقیقت است.

بنابراین، مفاد حدیث قبل این می شود که قیامت واقع نخواهد شد، مگر آنکه پیش از آن قائم ظاهر گردد، و تأیید این بیان روایتی است که شیخ صدوق (ره) در «اکمال الدین» از رسول خدا (ص) نقل کند که فرموده: «قسم بخدائی که برستی پیغمبری فرستاد، اگر نماند از دنیا مگر یک روز، هر اینه طولانی می کند خدا و روز راتا این که خروج کند در آن روز فرزندم مهدی.»

حدیث دوم - که مؤلف خاتمیت به آن استناد جسته، روایت «مفضل بن عمر» از «بحار الانوار» است که قسمت اول حدیث را با اسقاط بعضی الفاظ نقل نموده، و از کلمه «ساعة» که در مضمون روایت بزمان قیام قائم (ع) اطلاق گردیده، نتیجه گرفته که قیام قائم همان قیامت است، و ما قسمتی از حدیث راتا آنجا که مربوط به بحث ما است از صفحه 1.2 «بحار الانوار» مجلسی علیه الرحمه چاپ «امین الضرب» نقل نموده و جملاتی را که نامبرده از نقل آن خودداری نموده در بین علامت دوا برومی اوریم:

«عن المفضل بن عمر قال سئلت سیدی الصادق (ع) هل للمأمول المنتظر المهدی من وقت موقت یعلمه الناس؟ فقال (ع) حاش لله ان یوقت (ظهور) بوقت یعلمه شیعتنا قلت یاسیدی ولم ذلک؟ قال لانه (هو) الساعة التي قال الله تعالی ویسئلونک عن الساعة ایان مرساها (وقال عنده علم الساعة ولم یقل انها عند احد و قال هل ینظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة فقد جاء اشراطها الایة» وقال اقتربت الساعة وانشق القمر و قال ما یدریک لعل الساعة تكون قریباً یستعجل بها الذین لایؤمنون بها والذین آمنوا مشفقون منها و یعلمون انه الحق الا ان الذین یمارون فی الساعة لفی ضلال بعید قلت فما معنی یمارون؟

قال یقولون متی ولد و من رای و این یكون و متی یظهر و کل ذلک استعجالاً لامر الله و شکاً فی قضائه و دخولاً فی قدرته اولئک الذین خسرو الدنیا و ان للکافرین لشر ما ب قلت افلا یوقت له وقت فقال (ع) یا مفضل لا الوقت له و قتلا و لا یوقت له وقت ان من

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!



وقت لمهدينا وقتا فقد شارك الله تعالى في عمله وادعى انه ظهر على سره ومالله من سرا الاوقد وقع الى هذا الخلق المعكوس الضال عن الله الراغب عن اولياء الله ومالله من خيرا الاوهم اخص به لسره وهو عندهم وانمالقى الله اليهم ليكون حجة عليهم قال المفضل يامولاي فكيف بدى ظهور المهدي واليه التسليم قال(ع) يامفضل يظهر في شبهة ليستبين فيعلو ذكره ويظهر امره وينادى باسمه وكنيته ونسبه ويكثر ذلك على افواه المحقين والمبطلين والموافقين والمخاطبين لتلزمهم الحجة بمعرفتهم به الا انه قد قصصنا واولدنا عليه ونسبناه وسميناه وكنيناه وقلنا سمي جده رسول الله وكنيته لئلا يقول الناس ما عرفنا سما ولا كنية ولا نسباً والله ليتحقق الايضاح به وباسمه ونسبه وكنيته على السنتهم حتى يسميه بعضهم لبعض كل ذلك للزوم الحجة عليهم ثم يظهره الله كما وعد به جده(ص) في قوله عز وجل هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون(الي ان قال) قال المفضل ياسيدي ولا يري وقت ولادته قال بنى والله ليري من شاعة ولادته الى ساعة وفاء ابيه سنتين وتسعة اشهر(1) اول ولادته وقت الفجر من ليلة الجمعة لثمان خلون من شعبان سنة سبع وخمسين ومأتين الى يوم الجمعة لثمان خلون من ربيع الاول من سنة ستين ومأتين وهو يوم وفاء ابيه بالمدينة التي بشاطي دجله... الخ.

گرچه استدلال نویسنده ی خاتمیت از این حدیث تنها بلفظ «ساعة» و تطبیق ان باقیامت است، ولیکن چون تمسک نامبرده به این حدیث دلالت دارد که روایت در نظروى موثق بوده و سایر مؤلفین بهائی مانند گلپایگانی و حتی خود بهاء الله به این روایت استشهاد نموده اند، لهذا لازم دیدیم ضمن جواب از استدلال وی مفاد حدیث را تا آنجا که منقول افتاد خلاصه نمائیم.

1- در حدیث از وقت ظهور تعبیر بساعة شده.

2- از تعیین وقت ظهور مهدي(ع) جدانهی و تصریح فرموده اند که زمان ان معلوم نیست، و علم نزد ساعت پروردگار است، و هر کس زمان ظهور را توقیت نماید، شرکت در علم باری تعالی نموده و ادعا کرده است که او به سرالهی واقف گردیده.

3- حضرت مهدی همانم «م ح م د» وهم کنیه «ابوالقاسم» پیغمبر اکرم(ص) می باشد.

4- ولادت ان حضرت در ماه شعبان ليله ی جمعه از سنه ی 257 هجری در شهر ساحلی دجله (سامری) پیش گوئی و تعیین شده.

5- حضرت امام صادق علیه السلام برای مفضل سوگند یاد فرموده اند که مهدی موعود را از زمان ولادت تا زمان فوت پدر بزرگوارش (سال 26 هجری) مردم می بینند.

6- شک در ولادت و رؤیت او بشرح بالامر ادف باشک در قضای پروردگاریان شده.

7- برای رفع عذرو اتمام حجت مهدی موعود با ذکر تمام خصوصیات از پیش معرفی گردیده.

8- از مجموع حدیث صریح مستفاد می گردد که مهدی موعود، مهدی شخصی و فرزند بلا فصل حضرت عسگری (ع) بشرح خصوصیات مذکور در فوق است که طبع ادرای غیبت است و مهدویت نوعی نیست.

مامی دانیکه که مقصود بهائیه از توسل این روایت و سایر روایات مشابه انستکه:

اولا- قیام قائم رابه ظهور قیامت توجیه نمایند.

ثانیا- ان را ظهور میرزا علی محمد باب که وی راقائم می دانند تطبیق کنند، و خوشبختانه سراپای حدیث صریح با بر ضرر بهائیه و مبطل مبانی اولیه ی انهاست، زیرا هیچیک از نشانه های مهدی موعود مانند نام و کنیه و مسقط الرأس و تاریخ ولادت وی که دقیقاً تعیین گردیده باشخص علی محمد باب فرزند میرزا رضای بزاز شیرازی متولد 1235 هجری که متجاوز از ده قرن اختلاف زمانی با مهدی (ع) دارد مطلقاً برابری نمی کند، و این شخص بهیچوجه نمی تواند مدعی مقام مهدویت که شخص ان بتصریح حضرت صادق علیه السلام در سال 257 هجری در شهر (سرمن رأی) تولد یافته و تا چند سال بعد از ولادت اصحاب حضرت عسگری علیه السلام ویرامی دیده اند بشود، و نقل این حدیث از ناحیه ی بهائیه که سندی روشن علیه دعاوی انهاست نیز حیرت اوراست.

نکته ی دیگر اینکه امام علیه السلام در بیان خودمفضل شدید از تعیین وقت ظهور استنکاف مرزیده و تصریح می فرماید که برای این امر وقتی تعیین نشده که مردم بدانند، مع هذا جناب بهاء الله جمله ی «یظرفی شبهة لیستین» (1) را در حدیث تحریف نموده و آن را به این طریق در کتاب ایقان نقل کرده «یظرفی سنه السستین» (2) تا آنرا با سال 126 هجری که موافق با اعدای میرزا علی محمد باب می باشد برابر نماید، و این کار علاوه بر آنکه مخالف مضمون حدیث و نهی مؤکد توقیت است خود دلیل دیگری بر عدم قداست مدعی وحی و منزل الواح است، و در جای خود مسلم می باشد که رسولان الهی و برگزیدگان حق و مهابط وحی پروردگار که سمت هدایت و ارشاد خلق را داشته و واسطه ی بین خدا و بندگانش هستند بدلالات عقل بایستی از معایب نفسی و خلقی و از صفات نکوهیده دامانشان پاک و منزّه باشد و مخصوصاً از رذیله ی دوزخ که زشت ترین صفتها و از بزرگترین گناهان است پاک و مبری باشند و شخص بهاء الله که خویشان را الوده به چنین رذیله ای ساخته و موارد عدیده از وی دروغ و خیانت در آثارش مشاهده شده نمی تواند و اجد مقام شامخ نبوت و شاریت گردد.

1- ظاهر ابا بدجای تسعة-سبعة باشد.

1- ظاهر گردد در حال شبهه تا آشکار شود.

2- ظهور نماید در سنه ی.6.

پاسخ از شبهه- کلمه ی (ساعة) بمعنی وقت است و بطور عموم بر هر قسمتی از زمان اطلاق می گردد و اگر در رایه ای از آیات قران بظهور باهر النور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بلفظ ساعت اشاره شده، هیچ تنافی با آن ندارد که در آیات دیگر قران بزمان قیامت و روز معاد نیز ساعت گفته شده باشد، و نظر بمشمول کلمه، تعبیر از قیامت و یاقیام قائم (ع) بساعة مانعی نخواهد داشت و همچنین هیچ محظوری ندارد هر گاه در یک ایه از کلمه ی ساعة هم قیامت و هم قیام قائم هر دو آورده شده باشد، زیرا مراد از ساعة لغة وقت است

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

و شامل قیامت و ظهور قائم هر دومی شود بر فرض آنکه در تمام آیات هم از لفظ ساعة ظهور قائم (ع) اراده شده باشد، به مسأله ی قیامت که در جای خود بدلائل دیگر و طبق نصوص محکمه ثابت است، مربوط نمی باشد و بعبارة آخری مسلمین برای اثبات قیامت هیچگاه به آیات ذو وجوه و متشابهات استدلال نمی جویند، تا اینکه با مضمون حدیث معارض گردد، و بسیاری از آیات محکمت قران که نمونه های ان سابقا گذشت دلالت بر وقوع قیامت در پایان این جهان دارد که در ان ساعة این نظام واژگون گردد، و مجموعه ی جهان داخل نظام دیگر و عالم دیگر شود، و ان در پایان کار جهان و پس از ظهور مهدی (ع) خواهد بود.

در خاتمه ی این بحث باز تکرار می کنیم که اگر این موضوع را بدآوری نزد هر دانشمند زبان شناس بیغرض ببرد که از ملیت اسلام نیز فرضا خارج باشد، و از او بخواهند نظریه ی قران را در پیرامون قیامت باز گویند، همان را خواهد گفت که اهل ملت گویند، بنابراین قول بوحدت قیام قائم (ع) با قیامت کبری که بگوئیم قیامت عین قیام قائم است و انهم بظهور نقطه ی اولی بوقوع پیوسته و خلایق اولین و آخرین حشر یافتند و منازل و مراتب دوزخی و بهشتی فرود آیند، و بالنتیجه ناچار شویم نعیم اخروی و جنات عدن و فردوس اعلی و درکات جحیم و کیفیهای اهل اتش و عذاب الیم الهی را که بنص آیات کریمه ثابت است به قرب و بعد مظهر ظهور تطبیق کنیم، عقل نمی پذیرد و فطرت پاک زیر بار این گفتارهای بلا دلیل نمی رود.

اللهم و قنا عذاب النار

**امام**

مبحث دیگر که در موضوع خاتمیت مورد استفاده ی نویسنده ی رساله ی خاتمیت قرار گرفته، تحقیق در کلمه ی امام است و می گوید: «حجاب دیگر که باعث بعد عده ای از شیعه ی مسلمین گردیده و ان

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

هارا از مشاهده ی شمس حقیقت محروم کرده، کلمه ی امام می باشد و یاران و حامیان امر عزیز که در سبیل خدمت سالک و به تبلیغ امر الله و اعلاء کلمه الله قیام نموده اند شاهد این کلام می باشند، امروزه اغلب متحیران حقیقت بدون مقدمه سئوال می کنند، اول بگوئید این شخص امام است یا پیغمبر؟ اگر اظهار شود حضرت باب مقام رسالت داشتند، فی الحین اعتراض کنند که ما منتظر امام هستیم نه پیغمبر، و چون گفته شود ان حضرت مقام امامت داشتند گویند امام نباید صاحب کتاب باشد، بلکه باید در ترویج و تنقیذ آیات قرآنیه و فرائض اسلامیة حصر همت نماید، لذا بد نیست اگر مختصری راجع به لغت امام بحث شود، تا این تفسیر سقیم و اشتباه عظیم واضح و مبرهن گردد.

مؤلف پس از بیان این مطلب با ذکر معنی لغوی «امام» که در کتب لغت و اصطلاح قرآن بمعنی مطلق پیشوا و پیشرو و مقتدی آمده چنین نتیجه گرفته که «اولا امام می تواند کتاب داشته باشد و تشریح شریعت جدید نماید، زیرا بر پیغمبران نیز «امام» اطلاق گردیده، و در ثانی حضرت نقطه ی اولی امام دوازدهم و قائم موعود می باشد!!!! که به موجب احادیث معتبره و روایات متعدده باید دارای کتاب جدید و شریعت جدید باشد انتهی.»

## پاسخ

احدی از علمای شیعه در هیچیک از آثار و نوشته های خود ادعا ننموده اند که کلمه ی امام منحصر به ائمه ی اثنی عشر صلوات اله علیهم اجمعین گفته می شود، و این کلمه به مشمول عام خود باقی است، و بر هر پیشوائی اعم از نبی و وصی نبی یا بر پیشوایان جور اطلاق می گردد، و بقران مجید نیز امام می گویند، و حتی به مقتدای جماعت مسلمین در نماز امام جماعت گفته می شود، و نویسنده ی خاتمیت بیهوده بخود زحمت تحقیق در این باره روا داشته و امری را که فرقه ی ناجیه تفوه به ان ننموده بران بسته، و این

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

افتراء روشن راریشه ی بحث خود قراردادده و در نتیجه سوءاستفاده نموده است، جماعت شیعه هیچگاه در اثبات ابدیت شریعت اسلام وعدم نسخ ان به کلمه ی امام متوسل نشده، و اصولاً قول به خاتمیت پیامبر اسلام بحثی است جداگانه و گفتگو در پیرامون شخصیت وص دوازدهم پیغمبر اکرم (ص) مطلبی دیگر، اگر ماذوات مقدسه ی ائمه ی معصومین را امام بنامیم، بتصدیق نویسنده ی خاتمیت نیز واژه ی غلطی به کار برده ایم، و آنان یکی از مصادیق مسلم این کلمه می باشند و شیعه جز این چیزی نمی گوید و کلمه ی امام راهر گزمنحصر در پیشوایان شیعه نمی کند و سبب اینکه لفظ امام بین شیعه اصطلاحاً انصراف به ائمه ی اثنی عشر دارد، و به انبیاء انصراف ندارد است که جنبه ی نبوت از اوصیاء پیغمبر اسلام نفی گردد، زیرا هر نبی امام هست، ولی هر امام ممکنست نبی نباشد، و لهذا شیعه بر مبنای خاتمیت پیغمبر اسلام (ص) جانشینان ان حضرت را امام یا وصی پیغمبر می نامند، کما اینکه خود حضرات ائمه ی معصومین همه وقت کلمه ی امام را در باره ی خود استعمال می فرمودند و کلمه ی امام المتقین از القاب واسامی امیر المؤمنین (ع) است که پیغمبر اکرم وی را به این نام مخاطب فرموده، و حسینعلی بهاء در بعضی الواح خود منجمله در لوح اقاموسی می گوید: «امام دوازدهم حضرت اعلی... الخ» و در هر صورت در موضوع مانحن فیه ابدابحث اسمی و لفظی در کار نیست، بلکه سؤال شیعه اینست که سمت ان شخص که خود را بنام مهدی موعود معرفی کرده چیست، و بهترین بود که نویسنده ی خاتمیت سؤال فرضی خود را که از ناحیه ی شیعه نقل نموده به این ترتیب مطرح می ساخت که اول بگوئید این شخص (نقطه اولی) پیغمبر و نبی صاحب شریعت می باشد، و شریعت او ناسخ شریعت قران است، یا اینکه وی پیغمبر اسلام و تابع شریعت قران و مروج ان می باشد، اگر گویند او وصی دوازدهم پیغمبر اسلام و موعود شیعه است جواب این خود دهد بود که مهدی موعود مقام شاریعت ندارد، و او بحکم

روایات معتبره و متواتره وصی پیغمبر اسلام و تابع قران است، وعلیمحمد باب این چنین نبوده  
و اگر گویند او صاحب شرع جدید است و مقام نبوت و رسالت دارد اظهار می شود شیعه مستبشر به چنین  
ظهوری نیست و انتظار چنین کسی را ندارد، و موعود خود را به این سمت نمی شناسد، بنابراین برخلاف  
مدعای مذکور کلمه ی امام ملازم و برابر با عنوان نبوت نیست، و ممکن است کسی امام باشد، ولی  
پیغمبر نباشد، و بحمد الله اینکه حجاب شیعه نشده و آنان را از مشاهده ی شمس حقیقت محروم ننموده  
و «حامیان امر عزیز» حق این گستاخی را ندارد که عقیده ی شیعه را برخلاف باورانان بمیل خود توجیه  
و تفسیر نمایند.

وانگهی ما نفهمیدیم چه ملازمه است بین اینگه اگر به انبیاء صحیح باشد امام گفته شود، در نتیجه  
میرزا علی محمد باب امام دوازدهم و قائم موعود باشد!!!

نگارنده عبارت صاحب خاتمیت را از صفحه ی 32 بار دیگر نقل می نماید و داوری رابه خواننده ی محترم  
و اگذاری کند: «اولا امام می تواند کتاب داشته باشد و تشریح شریعت جدید نماید زیرا به پیغمبران نیز اطلاق  
گردیده و در ثانی حضرت نقطه ی اولی امام دوازدهم و قائم موعود می باشند که بموجب احادیث معتبره  
و روایات متعدده بایستد دارای کتاب جدید و شریعت جدید باشند.  
خرمدندان انصاف دهند و داوری نمایند، مؤلف بزعم خود استدلالیه نوشته، و در این مطلب مهم دعاوی  
خود را بدلیل و بدون مناسبت بصورت نتیجه ی سمفاد از دلائل نقلیه و عقلیه ردیف نموده و رجما بالغیب  
سخن گفته و ذکر دلیل نکرده، و حال آنکه ابد از روایات معتبره و احادیث (متعددده) اثبات مقام شاریت  
برای قائم موعود نمی شود، تا چه رسد بر آنکه بگویند نقطه ی اولی همان قائم موعود می باشد.

## تجدید شریعت

پس از اینکه ایه ی شریفه ی خاتم النبیین وحیث لانبی بعدی رانویسنده ی خاتمیت به میل خود توجیه و از معنی اصلی منصرف می سازد، بحث جداگانه ای تحت عنوان «تجدید شریعت» مبتنی بر همان تحریفات آغاز نموده و برای تأیید مطلب خود ایاتی از قرآن کریم شاهد آورده که ان آیات مطلقاً نظریه تجدید یا عدم تجدید شریعت نبوده و هیچگونه دلالت بر مقصود وی ندارند، و باین وصف مدعی گردیده که قرآن مجید مسئله ی تجدید شریعت را «به اوضح بیان و اکمل تبیان شرح داده و ملت اسلام رابطهوری جدید و شریعتی بدیع اخبار فرمود» و در طلیعه ی مطلب می گوید که «نه فقط حضرت رسول اکرم آخرین رسول نیستند و این مبین اسلام آخرین ورق کتاب الهی نمی باشند، بلکه بموجب بشارات قرآن و اخبار معتبره ی ائمه ی اطهار علیهم آلا ف التحیه و الثناء این کتاب را ورق اخر نه، و این بساط را زمان ختام نیست، بحر فیض الهی دائماً موج است، و دید عنایت غیبی پیوسته در کار، تا بشر را تربیت نماید و به اوج رفعت و عزت رساند... الخ.»

پس از اینکه از مجموع کتاب و سنت و اجماع امت و ضرورت دین بر ما روشن و مسلم گردید که پیغمبر اسلام پیغمبر خاتم و آخرین فرستاده ی الهی، و قرآن آخرین کتاب اسمانی، و اسلام دین ابدی است، تکرار مطلب تحت عناوین دیگر که عموماً دارای مضمون واحد هستند زائد و غیر لازم بوده، و دعوی تجدید شریعت خود بخود از منطاعتبار ساقط و مردود است، و برای طالبان حقیقت جای ابهام و تردید باقی نمانده منتهی به منظور رفع ارتیاب ناگزیریم آیات و روایات مورد استفاده مؤلف را یکان یکان ذکر نموده پاسخ گوئیم، و ابتداءً باید یاد آور شویم که ختم نبوت و رسالت بوجود خاتم الانبیاء ابدام لازم قطع فیض از فیاض مطلق نمی باشد، زیرا اگر نبوت ختم گردیده ابلاغ نبوت ان حضرت باقیست، و همچنانکه در ایام بین



ظهورات که گاه تا قرنهای پس از درگذشت رسولی قیام رسول دیگر بطول می انجامیده و هیچگاه ملازم با قطع فیض نبوده، و تعالیم نبی سابق در بین امت نافذ و مجری بوده، در این امت نیز رحلت وجود عنصری پیغمبر هیچگاه مساوی قطع فیض نخواهد بود، و وقتی ما غیبت رسول را در مدت معتنی به از زمان قطع فیض ندانیم، دلیلی نداریم که برای زمان طولانی تر، و لو برای همیشه دوام شریعت اسلام را قطع فیض به شمار آوریم، و انگهی حجت حق که واسطه ی فیض و سبب متصل بین السماء و الارض باشد، همیشه در بین بندگان قائم، و اشعه ی عنایات او بر رئوس انام پرتومی افکند، و امروز فیض وجود مسعود حضرت بقیه الله ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء از پس پرده ی غیب چونان انوار شمس از پس سحاب مظلم به مامی رسد و قبسات رحمت رحمان از ناحیه ی مقدسه ی انحضرت شعله می کشد و بوجوده ثبتت الارض و السماء و بیمنه رزق الوری.

\*\*\*

## استدلال به آیات

1- سوره ی یونس ایه ی 48 «ولکل امه رسول فاذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط وهم لایظلمون» ترجمه ی ایه بشرحی که خود مؤلف آورده چنین است: «برای هر طایفه ای فرستاده است، پس چون آمد رسول ایشان حکم کرده شود میان نشان به عدالت و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند» و مضمون ایه نقل به معنی اینست که خداوند برای هر امت رسولی از جانب خود برمی انگیزد تا به ارشاد و هدایت مردم بر خیزد و با مردم به عدالت و داد عمل کند و بر کسی ستم وارد نشود و این ایه بهیچوجه تلویحاً و تصریحاً اشاره به تجدید شریعت نداشته و از این مطلب اجنبی است، و خوب بود لا اقل نویسنده ی خاتمیت که ایه راجز و شواهد خود آورده تصریح می نمود که کجای این ایه دلالت بر تجدید شریعت

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

دارد، و اگر مقصود او استفاده از جمله ی ولکل امه رسول است، پرواضح است که وافی بمقصود نیست، زیرا ایه ی شریفه فقط متذکر این حقیقت گردیده که برای هر ملت و طایفه ای از جانب خدا رسولی است، و کسی انکار این معنی را ندارد، و همانطور که رسول طایفه ی بنی اسرائیل، مثلاً یعقوب و موسی، و پس از آن حضرت مسیح بود، رسول امت مرحومه نیز در سال بعثت تا پایان عمر جهان الی یوم التلاق حضرت خاتم النبیین است، و این حقیقتی است در محل خود ثابت، ولی ربطی به مسأله ی تجدید شریعت ندارد.

2- سوره ی یونس ایه ی 5. «ولکل امه اجل اذا جاء اجلهم لایستأخرون ساعة ولا یستقدمون» ترجمه: برای هر ملت و جمعیتی اجلی است که چون فرارسد، ساعتی تقدیم و تأخیر نگردد.

مفاد ایه ی شریفه اینست که برای هر امتی در جهان اجلی و پایان و نهایی مقدور و مقرر است، که چون فرارسد و زمانش به انتهی گراید ساعتی تقدیم و تأخیر در آن راه نیابد، و مؤلف خاتمیت این را دلیل گرفته که علیهذا «امت اسلام را اجلی مقدر شده که چون زمانش سپری شود، موعود جدید ظاهر گردد و امتی تازه تأسیس نماید.»

واضح است که در این ایه نیز مطلقاً صحبت از تجدید شریعت و ظهور موعود جدید میان نیامده و یکی از مصادیق واضح تفسیر به رأی که توعید به عقوبت و کیفراتش گردیده نظریه ی مؤلف خاتمیت است که در ذیل ایه ی شریفه اظهار نموده، و می دانیم کلمه ی امت عام و مطلق است، و مؤلف مذکور دلیلی در گفتار خود ارائه نموده که مراد از امت در ایه ی مبارکه بخصوص امت دینی باشد، و منظور از اجل، اجل دین و شریعت شمرده شود، و در لغت به هر قوم و طایفه و جرگه ای امت گفته می شود، خواه جهت جامع انهادین باشد، یا چیز دیگر، امروز پیروان مکتب مادیگری (مارکسیسم) به حقیقت امتی هستند غیر دینی که جهت جامع آنان، وحدت مرام و اشتراک در طریقه ی فلسفی انهامی باشد، و در قرآن کریم کلمه ی امت بمعنی

مطلق طایفه و دسته استعمال گردیده. انجا که می فرماید: «و ما من دابة في الارض ولا طائر يطير بجناحه الا امم امثالكم» و نیست جنبنده ای در زمین و نه پرنده ای که به دواب خود پرواز می کند، جز اینکه طوایفی هستند مانند شما. و نیز درایه ی شریفه ی دیگر «ولما ورد ماء مدین دجد علیه امه من الناس» و چون وارد شد اب میدان را جماعتی از مردم را بران یافت.

بنابر این درایه ی شریفه ی «ولكل امة اجل... الا اية» منظر و مراد از اجل، زوال دین و شریعت نبوده، بل بیان حال طوایف و ملت های علم و فنای حیات دنیوی آنان است، که برای هر طایفه در زندگی دنیاهایتی است که چون ان نهایت (مرگ) فرارسد، آنان را بدون تأخیر در یابد و اشاره بهمین اجل است درایه ی شریفه ی «هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلا و اجل مسمی عنده ثم انتم تموتون» و همچنین در سوره ی نوح «یغفر لکم من ذنوبکم و یؤخرکم الی اجل مسمی ان اجل الله اذا جاء لا یؤخر لکم تعلمون» خداوند می امرزد از برای شما برخی از گناهانتان را، و به تأخیر می اندازد شماراتا اجل نامبرده شده، بدرستی که اجل خدائی چون اید تأخیر نمی گردد اگر شما بدانید.

و در حدیثی است «عن حمران قال سئلت ابا عبد الله (ع) عن قول الله اذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون قال (ع) هو الذی سمی ملک الموت فی لیلة القدر» (1) و بر فرض غلط که مراد از امت، امت دینی هم باشد، می گوئیم اجل امت خاتم النبیین به انقراض عالم خواهد بود.

مؤلف پس از استشهاد به آیات مذکوره در فوق می نویسد:

«از آیات فوق چنین استنباط می شود که هر امتی را رسولیست و دورانی، چون رسول بیاید و دوران امت بسراید، امتی جدید تأسیس شود، و پیغمبری تازه مبعوث گردد، و اگر چه اغلب مسلمین ظهور موعود را حتمی دانند و تأسیس امت جدید را لازم شمرند، ولی گویند امت جدید باید در تحت تعالیم قران مجید تأسیس شود و ظهور موعود نباید کتابی جدید بیاورد، البته بطلان این تصور و خیال اشکار است، چه که مخالفت با آیات قرانیه دارد و مبانیست با سنن

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

الهیة، زیرا قرآن مجید برای هر یوم شأنی معتقد است و برای هراجل کتابی قائل، در سوره ی الرحمن ایة ی 29 و کل یوم هوفی شأن هر روز مقامی است و هر مقام را مقتضیاتی، و در سوره ی الرعد ایة ی 38 و کل اجل کتاب برای هراجل کتابی است» انتهی کلام مؤلف بهائی.

1- حمران گوید سؤال نمودم از امام صادق (ع) از معنی کلام خداوند (اذا جاء اجلهم... الخ) فرمود همان اجلی است که معلوم و نامبرده گردیده برای ملک الموت در شب قدر.

ماستنتاج غلط و ناروای مؤلف و اشتباه فاحش وی را در ذیل دو ایة ی سابق الذکر متذکر گردیدیم و دانسته شده چیک از ایة ی مربوطه به امر بعث رسول و تجدید شریعت نبوده و فارغ از این معنی است، و توسل نامبرده به ایة ی اخیر الذکر «کل یوم هوفی شأن» از سوره ی الرحمن نیز بکلی بی ثمر و نامربوط و خطای فاحشتر است. ایة ی با ایة ی قبل از آن در سوره ی مذکور چنین آمده:

«فبای آلاء ربکما تکذبان، یسئله من فی السموات والارض کل یوم هوفی شأن، و ترجمه ی ان به این شرح است:

پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ از او مسئلت می کنند هر کس در اسمانها و زمین است، هر روز او (خدا) در کاری است.» مؤلف در استدلال به ایة ی شریفه سوء استفاده نموده و با تصرف در جمله (در ترجمه) مرتکب خیانت گردیده، زیرا ضمیر (هو) را در جمله ی «کل یوم هوفی شأن» که مرجع ان رب است (فبای الاء ربکما...) به یوم برگردانیده، و ایة را اینطور معنی کرده که برای هر روز شأنی و مقامی است و سپس به ترجمه ی ایة، از خویشتن افزوده و نوشته است:

«و هر مقام را مقتضیاتی» و از ان استنباط نموده که مقتضای هر یوم تأسیس دین جدید و بعثت رسول تازه است، ولیکن بطوریکه از ترجمه ی ان قبلا دانستیم، ایة در موضوع بعثت رسول و تجدید دین سخنی ندارد، و خداوند متذکر انعام و احسان خود به بندگان و در بیان فقر و نیاز بندگان نسبت به ذات قدوس خود می باشد، که همگی مسئلت به پیشگاه ربوبیت اومی برند، و پروردگار ذوالمشیه هر روز و هر ساعت به اقتضای

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

حکمت بالغه اداره ی امور خلق می فرماید، وفضل ورحمت او همواره و مستمر بر بندگان شامل است، و اجمالاً جمله ی «کل یوم هوفی شأن» اشاره به انفاذ مشیت و اجرای اراده از ناحیه ی پروردگار در باره ی مخلوق است نه امر دیگر. و اما راجع به «ولکل اجل کتاب» ممکن است مراد کتاب قضائاً و قدر الهی بوده باشد، چنانکه در حدیث از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «اذا کان لیلة القدر نزلت الملائكة والروح والكتب الی سماء الدنیا فیکتبون ما یکون من قضاء الله تبارک و تعالی فی تلك السنه (تا اینکه گوید) و کل شیئی عنده یثبت فی کتابه؟ قال علیه السلام نعم، (چون شب قدر شود فرشتگان و روح فرود آیند به آسمان دنیا، پس می نویسند آنچه باشد از قضاء خداوند متعال در آن سال، و بر تقدیر اینکه مراد کتاب شریعت مانند تورات و انجیل باشد، می گوئیم برای اجل و زمان از بعثت خاتم انبیاء (ص) تا انقراض جهان نیز کتابی است که قرآن کریم می باشد.

ایه ی یلقى الروح، سوره ی مومن ایه ی 15 «رفیع الدرجات ذوالعرش یلقى الروح بامرہ (1) علی من یشاء من عباده لینذریوم التلاق.»

مؤلف پس از نقل این ایه ان رابه این طریق ترجمه نموده: «اوست رفیع الدرجات صاحب عرش که القاء خواهد فرمود روح مقدس وحی را از عالم امر بر هر که می خواهد از عباد خود تا اینکه در یوم تلاق نذیر قوم گردد و خلق را از عذاب و سخطی که مرتقب است اندازد و تخوف فرماید» سپس از قول گلپایگانی صاحب فرائد در پیرامون ایه گوید: «هر کس از قواعد عربیت مطلع و مستحضر باشد می فهمد که کلمه ی یلقى الروح بلفظ مستقبل نازل شده، یعنی بشارت به حادثه ی اتیه است نه اخبار از امور ماضیه، و صریح است بر اینکه انزال روح المین و بعث نذیر و مبین منوط به اراده ی مشیت اوست که هر وقت اراده فرماید نذیری مبعوث خواهد فرمود.»

اولاً- ترجمه ی صاحب رساله ی خاتمیت مخدوش ایت و ترجمه ی صحیح ان چنین می شود: «اوست رفیع الدرجات، صاحب عرش، می افکند روح را از فرمانش برانکه می خواهد بر بندگان خود، تا بیم دهد روز ملاقات

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

را» و مؤلف کلمه ی وحی را بترجمه اضافه نموده و آن را در دنباله ی «روح» آورده، تا مفاد ایبه را بمقصود خود نزدیک گرداند، و بعلاوه جمله ی «عالم امر» را ترجمه ی «من امره» آورده و غلط است، و امر در لغت به معنی فرمان است، و می دانیم قرآن مجید همواره لغات را در معانی صحیح آن استعمال نموده، و اگر امر خاص از لفظ درایه ی مبارکه اراده شده باشد، محتاج دلیل خارجی است که مؤلف بایستی ارائه می نمود، و انگهی کلمه ی یوم در جمله ی «لینذریوم التلاق» مفعول می باشد که ترجمه ی آن نقل بمعنی اینست که بترساند و بیم دهد مردم را از روز تلاق قیامت و مؤلف بجای این ترجمه جمله ی «یوم التلاق» را ظرف قرار داده و ترجمه نموده که «بترساند در روز تلاق» و می دانیم جمیع مفسرین عامه و خاصه یوم التلاق را قیامت کبری، و روز حشر مردگان از قبورشان گرفته اند، و مؤید بر این معنی مضمون آیه ی 16 از همان سوره است که بلافاصله می فرماید: «یوم هم بارزون لایخفی علی الله منهم شیئی لمن الملك الیوم لله الواحد القهار» و آیه ی 17 الیوم تجزی کل نفس بما کسبت لا ظلم الیوم ان الله سریع الحساب»

ترجمه- «روز تلاق روزی است که همه ی (نیک و بد) خلق پدید آید، و هیچ کرده ی آنها بر خدا پنهان نباشد، در آن روز سلطنت عالم با کیست؟ با خدای قاهر منتقم یکتا است، آن روز هر نفس به آنچه کرده جزا خواهد یافت، ستمی بر هیچکس امروز نیست که خداوند حساب خلق بیک لحظه می کند» و اگر مقصود از یوم التلاق روز قیامت حضرت بهاء الله باشد و در آن روز ظلم و ستم هم نباید باشد، و روز لمن الملكی است، پس چرا ایشان بیپ از همه داد مظلومیت داشتند و از ظلم ظلمه نالیدند. ثانیا- در نظیر این آیات که موارد بسیاری در قرآن دارد، فعل مضارع فارغ از زمان است، و حضرت فاضل فرزانه و دانشمند بزرگوار جناب «میرزا جواد اقا تهرانی» در رساله ی «بهائی چه می گوید؟» فرمایند: «در اینگونه موارد فعل مضارع خالی از زمان است، و برای افاده ی خصوص زمان اتیه یا حال

نیست، بلکه برای مجرد اسناد فعل به فاعل است، مثلاً اگر پادشاهی با داشتن فرزند، دیگری را به ولایتعهدی خود برگزیند و کسی از سلطان پرسش کند که چرا دیگری را بولایتعهدی انتخاب فرمودید؟ در پاسخ گوید ما هر کس را که بخواهیم یا هر کس را که صلاح بدانیم یا هر کس که کفایت داشته باشد بولایتعهدی انتخاب می‌کنیم. در این موارد با اینکه زمان فعل یعنی انتخاب نمودن و لیعهد در واقع گذشته است و گوینده ابداد راتیه قصد بجا آوردن فعل را دیگر ندارد، در این حال فعل «انتخاب می‌کنیم» را بهیئت مستقبل آورده و کلام او در عرف اهل محاوره صحیح و مفید مقصود می‌باشد، و این قسم کلام در عرف شایع و متعارف است»

مؤلف ختمیت به نقل از گلپایگانی متمسک به ایه ی دیگری از سوره ی نور گردیده به این شرح «یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق» و پس از ذکر ایه می‌گوید: «معلوم است که منظور از این دیانت دین اسلام نیست، چه که اخبار راتیه است و دیانت اسلام به بیان صریح حضرت ختمی مرتبت «الیوم اکملت لکم دینکم» در ظهور حضرت پیغمبر و افاضاً نازل شد، و منظور از ایه ی مبارکه شریعت جدید است که بعداً ظاهر خواهد شد.»

جواب استدلال نامبرده به ایه ی سابق الذکر بوجه احسن و با تمثیل مقرب بمطلب در صفحه ی 3.1 از کتاب «بهائی چه می‌گوید؟» به این شرح داده شده: «که اگر مثلاً به ان ها گفته شود (مراد پیروان بدعت بهائی است که کور کورانه اباطیل را بجای حقایق می‌پذیرند) که چون روز پنجشنبه را شب جمعه گویند، پس به این دلیل و برهان صریح، قطعی باید دانست که روز روشن پنجشنبه شب تاریک است، آنان اغفال شده و فوراً باور خواهند نمود کلمه ی دین در لغت معانی عدیده دارد و در این ایه ی شریفه بمعنی جزا و مکافات است، نه بمعنی شریعت و دیانتی که جانب حق متعال بوسیله ی انبیاء و مرسلین برای مردم فرستاده می‌شود، ایه ی مذکور با دوایه قبلش چنین است:

«ان الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا في الدنيا والاخرة ولهم عذاب عظيم يوم تشهد عليهم السنتهم وايديهم وارجلهم بما كانوا يفعلون يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق ويعلمون ان الله هو الحق المبين»

## (سوره ی نور)

کسانیکه بزنان باایمان عقیفه ی بی خبر(از کاربرد)نسبت زنامی دهند در دنیا و آخرت ملعون (ومحروم از رحمت حق)باشند،وبرای اینان عذابی بزرگ است در روزی که زبان هاودست هاویاهای آنان برایشان گواهی دهد به آنچه می کردند(از کارهای زشت)دران روز خداوند جزاومکافات حق آنانرا تمام خواهد دادومی دانند که همانا خداحق واضح و آشکار است.

واین درغایت وضوح است که مقصود از دین حق که درایه ی کریمه توعید به ان فرموده است، اساسا به معنی شریعت نیست، تا کهنه وجدیدان مراد باشد و یاللعجب گلپایگانی طرار، ایه و مطلب به این واضحی را چگونه به مجرد اشتراک لفظی کلمه ی دین مورد سوء استفاده برای اغواء و اضلال مردم بیچاره ی عوام قراردادده است. انتهی»

ایه ی دیگر که مورد تشبث مؤلف واقع شده، ایه ی 33 از سوره ی اعراف است: «یابنی ادم یا تینکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی فمن اتقی واصلح فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون»

ترجمه- هر گاه بیاید البته شمارا فرستادگانی از خود شما و بخوانند بر شما آیات مرا، پس کسی که پرهیز نماید و صالح گردد بیم و ترسی برانان نیست و اندهگین نگردند و سپس گوید:

این ایه خطاب به مسلمین است تنها «و در این ایه به طور واضح ظهور پیغمبران را در اتیه اخبار می فرماید، ولی متاسفانه اغلب از فرط تعصب می گویند بنی ادم چه دخلی به ما دارد؟»



می گوئیم: در این ایه برخلاف ادعای مذکور به هیچ وجه تصریح بر ظهور پیغمبران در ایه نشده، و این دعوی افک و افتراء و کذب است، و مضمون ایه مطلقاً از حیث زمان ناظر بر آینده یا گذشته نیست، و بطوریکه در ایه ی یلقی الروح توضیح دادیم فعل خالی از زمان، و فقط برای بیان نتیجه ی مترتبه بر دعوت انبیاء و فایده ی قبول دعوت و تقوی و صلاح است.

فی المثل اگر کسی مدرسه ای بنا کند و وسائل تحصیل و تعلیم و تعلم را از هر حیث برای شاگردان آن مدرسه فراهم نماید و معلم خوب برای آنها تعیین کند و در پایان سال تحصیلی محصلین آن مدرسه را ازمایش کند و جمعی را مردود سازد و چون اعتراض کنند و یاعلت مردود شدن خود را بپرسند جواب گوید ما مدرسه تأسیس می کنیم و وسائل تحصیل را در آن مهیای سازیم و برای شما معلم می فرستیم، هر کس درس بخواند و زحمت بکشد ترفیع یابد، و هر کس کاهلی و رز در مردود گردد، پیدا است که در این قول مراد قائل، بیان نتیجه ی کوشش و زحمت در راه تحصیل و تعیین سرانجام کاهلی و سستی برای محصلین است، و مطلقاً زمان آینده در آن ملحوظ نیست.

در ایه ی شریفه نیز خداوند بطور عموم خطاب به تمام طبقات بنی ادم اعم از مسلمین و غیر مسلمین نموده و می فرماید: «چون از جانب ما رسولانی از جنس خود شما بیایند و آیات و نشانه های وجود ما بر شما بخوانند و شمارا بسوی من دعوت کنند، هر کس دعوت را بپذیرد و تقوی و رز د فائز گردد.» (وبه مفهوم مخالف جمله) هر کس زیر بار دعوت نرود خلص و زیان کار باشد، و حرف دیگری در ایه نیست، و لفظ «اما» در اول ایه که بمعنی اگر و هر گاه آمده مؤید این معنی است، و اگر مراد ایه اخبار از بعث نبی بود، باید بقانون ادب از نظر تأکید این امر مهم لام تأکید در اول فعل در می آید و «لیأتینکم» استعمال می

شد، کما اینکه در سوره ی عنکبوت ایه ی 52 در توعید اهل آتش به جهنم و عذاب اخروی که البته مربوط به زمان آینده است فعل مضارع بلام موکد گردیده و می فرماید:

«و یستعجلونک بالعذاب ولولا اجل مسمى لجاؤهم العذاب ولیاتینهم بغتؤهم لایشعرون» و به شتاب می خواهند از توعذاب را، و اگر نبود وقتی نامبرده شده، هر اینه امده بود ایشان را عذاب و هر اینه خواهد آمد البته ایشان را ناگهان، و ایشان ندانند.

و به همین لحاظ مؤلف خاتمیت در ترجمه ی ایه ی مورد بحث لفظ هر گاه را که ترجمه ی امامی باشد ساقط نموده و بجای ان البته را که ترجمه ی نون تأکید ثقلیه و محل ان بعد از فعل (یأتی) می باشد، قبل از فعل آورده و بدیهی است اینگونه تحریفات و تعبیرات بحکم عمد است نه به اشتباه و غفلت.

و بعضی گفته اند ایه ی «یا بنی ادم یا تینکم رسل منکم، الایه از قبیل یابنی ادم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سوآتکم و ریشا و ایه ی یابنی ادم لا یفتنکم الشیطان کما خرج ابویکم من الجنة و ایه ی یابنی ادم خذوا زینتکم عند کل مساجد» می باشد که حق متعال خطاب بر اولاد ادم در زمان خاتم النبیین را بلسان خطابش از صدر اول بر اولاد ادم جاری ساخته است، و در صدق چنین خطاب ابد امدن رسول دیگری بعد از آورنده ی این ایه (یعنی محمد بن عبدالله) (ص) معتبر نیست و نویسنده ی خاتمیت که در مورد ایه ی اخیر الذکر «یا بنی ادم خذوا زینتکم عند کل مسجد» بقرینه ی لفظ مسجد، ایه را شامل مسلمین فقط دانسته و گفته است چون مسجد معبد مسلمین است و اختصاص به انها دارد، و ضمناً ایه به عبارت «یا بنی» شروع شده است، پس به همین دلیل ایه ی اما یا تینکم رسل منکم، الایه که به همین سیاق امده شامل مسلمین به تنهایی خواهد بود، در اینجا به خطا رفته و یا تعدد نموده است، زیرا لفظ مسجد به معنی جای سجده است، و در هر شریعتی نماز باشد مسجد هم هست، و چون حکم نماز در تمام شرایع الهیه وجود داشته، بنابراین

در همه ی ادیان مسجده معنی لغوی ان موجود بوده (1) و خطاب ایه عام، و مخاطب همه ی اولاد ادمند، کما اینکه در قران کریم درباره ی اصحاب کهف فرماید: لنتخذن علیهم مسجدا (سوره ی کهف ایه ی 2). و در جای دیگر لفظ سجود را که به معنی اطاعت و تسلیم و خضوع است درباره ی ملائکه و «من فی السموات و من فی الارض» بکار برده و اختصاص بعبادت اسلامی نداده است و نیز هر کس اندک اشنائی بخطبات قران داشته باشد می داند همانطوریکه یا ایها الذین آمنوا مخصوص مسلمانها و یا ایها الذین هادوا مخصوص یهود است، یا ایها الناس و یا بنی ادم عام است، و مطالبی که پس از آنها آورده می شود نمی توان فقط خطاب به اهل اسلامی گرفت، دیگر اینکه ایه ی اما یا تینکم دنبال سرگذشت ادم است، و بعد از این از پیغمبران دیگر نام می برد، بنابراین اگر فعل مضارع در اینجا به معنی استقبال هم باشد به نسبت ادم است نه حضرت محمد (ص) و اسلام، برای توجه بیشتر به نقل آیات قبل از همان سوره می پردازیم:

«و یاد ادم اسکن انت و زوجک الجنة فکلوا من حیث شئتما و لاتقربا هذه الشجرة فتیکونان الظالمین» (1)

1- (بامره) غلط و عبارت در ایه ی مبارکه (من امره علی من یشاء) می باشد.

1- المسجد - جمع مساجد - کل موضع یتعبد فیه (المنجد)

ترجمه - هر مکانی را که در آن عبادت خدا شود مسجد گویند.

1- ای ادم زیست نما تو و همسرت در بهشت، بخورید هر آنچه خواهید و نزدیک مشوید این درخت را که در آن صورت (اگر تناول

کردید) از ستمگران باشید.

سپس خداوند داستان تناول ادم را از شجره ی منیهه بفریب شیطان نقل نموده و بعد می فرماید: «قال

اهبطوا بعضکم لبعض عدو و لکم فی الارض مستقرو و متاع الی حین، قال فیها تحيون و فیها تموتون

و منها تخرجون یا بنی ادم قد انزلنا علیکم لباسا یوارى سواتکم... (الایه)

یا بنی ادم لا یفتنکم الشیطان... (الایه)

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

وپشت سر این ایه سه ایه ی دیگر فرماید: «یابنی ادم خذوا زینتکم ...» (الایه)

وباز پس از آن سه ایه که در آن آیات دستور بر خورداری از نعمتهای پاک و پاکیزه ی دنیا داده شده و از بدکاری ها و گناه و شرک و افتراء پیروردگار مذمت گردیده می فرماید: «یابنی ادم اما یا تینکم رسل منکم...» (الایه)

با توجه بسبب آیات که بیان سرگذشت ادم که منجر به هبوط او از بهشت و سکونت او در زمین گردیده می باشد، بخوبی پیداست که این خطابات متعاقب یکدیگر همه عطف به ایه ی یابنی ادم قدانزلنا علیکم لباسا... (الایه) و مربوط به صدر خلقت نسل بشر است که برای توجه و عبرت معاصرین نبی اکرم اسلام و تحریص و تشویق آنها بگرویدن به اسلام و پیامبر بزرگواران بیان شده، مخصوصاً که می بینیم این مضمون در ایه ی دیگر در سوره ی بقره باز در دنباله ی داستان ادم بهمین سبک نازل گردیده.

وقتی به یک جوان تازه بهائی گفتم چه شد که بهائیت را اختیار نمودی و به چه دلیل از کیش پدر خود دست برداشتی؟ پاسخ داد: بحکم قرآن گفتم کدام ایه ی قرآن؟ گفت ایه ی اما یا تینکم رسل منکم... (الایه) گفتم ترجمه ی ایه رامی دانی؟ گفت اری. گفتم ایه را ترجمه کن. گفت ترجمه ایه این است که خداوند میفرماید: (البته صد البته می آید پیغمبرانی از جانب خداوند در آینده، نه یکی نه ده تانه صد تا)!!! از او پرسیدم این ترجمه را از کجا آوردی، مگر خودت تحصیلات عربی نداری؟ گفت خیر و دفترچه ای از جیب خود بیرون آورد و ترجمه ی ایه را بشرح مذکور از میان صفحات آن نشان داد و گفت این چنین برای من ترجمه نموده اند.

این نمونه ی کوچکی از شیادی و جنایات ناشرین نفعات الله است که به تمام اندیشه به افساد عقاید ابناء می کوشند و انرا اغراء بیجهل می نمایند، و خسران دنیا و آخرت برای خود و آنان فراهم می آورند.

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

3-سوره ی یونس ایه ی 48«ویقولون متی هذاالوعدان کنتم صادقین قل لاملک انفسی  
ضرأولانفعألاماشاءالله لكل امةأجل اذا جاءاجلهم فلا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون.»

ایضاًایه ی 28سوره ی سباویقولون متی هذاالوعدان ان کنتم صادقین قل لکم میعاد یوم لاتستأخرون  
ساعة ولا تستقدمون.»

مؤلف خاتمیت پس از نقل آیات فوق می گوید که مردم وعده ی بشارت را از رسول اسلام می پرسیدند.

حضرت پاسخ می فرمود: برای هرامتی اجلی است و سپس درایه ی اخیر می فرماید:

میعاد برای شما یکروز است وساعتی جلو و عقب نخواهد شد و روز را بطور کلی هزار سال مقرر فرموده ومؤلف  
هزار سال از سال 26 هجری رحلت حضرت عسگری تا 126. ظهور علیه السلام می گیرد، و متمسک به  
حدیثی می شود به این شرح: «ان اصلحت امتی فلها یوم وان فسدت فلها نصف یوم» (1) وهمچنین ایه  
ی 44 از سوره ی حج: «ان یوماً عند ربک کالف سنه مما تعدون» (2) ونیز ایه ی 4 سوره ی سجده «فی یوم کان  
مقداره الف سنه مما تعدون»

1- اگر امت من شایسته شدند، پس از برای انهاست روزی، و اگر فاسد شدند، برای انهاست نصف روز.

2- بدرستی که روز نزد پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه شمایی شمارید.

رامورد استناد قرار داده ومی گوید که زمان اسلام از موقع قطع الهام تا ظهور بعدی هزار سال است.

جواب- برخلاف گفتار مؤلف خاتمیت پرسش مردم در آیات سابق الذکر بشارت بر ظهورات بعدی  
مطلقاً نبوده، بل ایه ی قبل ان چنین است:

«ویوم یحشرهم کان لم یلبثوا الا ساعة من النهار یتعارفون بینهم قد خسروا الذین کذبوا بقاء الله  
وماکانوا مهتدین و امان ربکم بعض الذی نعدهم اون توفینک فالینامر جمعهم ثم الله شهید علی ما یفعلون.»

ترجمه - و روزیکه گرداورد ایشان را (خدا) که گوید درنگ نکردند مگر ساعتی از روز، اشنای یکدیگر ندیامنه  
ی خود به حقیقت زیان کردند آنانکه تکذیب نمودند دیدار (جزای) خدارا و نبودند هدایت یافتگان  
واگر بنمائیم تورا، برخی از آنچه وعده می دهیم ایشان را یا بمیرانیم تورا (و پیروزی اسلام و شکست مخالفین  
رانینی) پس به سوی ماست باز گشت ایشان، پس خدا گواهند به آنچه می کنند.

بطوریکه ملاحظه می شود صحبت از روز حشر و جمع مردگان و روز لقاء و یوم المعاد است.

ایه ی 28 سوره ی سباجواب این آیات است: که می گویند کجاست روزیکه به ما وعده دادید؟ و از ناحیه ی  
حق متعال به پیغمبر دستور می رسد که بگواز برای شما وعده گاه روزی است که ساعتی ان راپس و پیش  
نتوانید کرد، یعنی موعد شماروز 1 پاداش و روز کیفر است که هر گاه واقع شود مغفرتی ندارید، و وقوع ان رابه  
تأخیر نتوانید انداخت، و ایام ربوبی که به هزار سال بالغ است ابداری بطی به مسأله ی ختم شریعت یا عدم ان  
نمی تواند داشته باشد، و اظهارات مؤلف عمومادعائی است بصورت دلیل.

مؤلف کتاب بهائی چه می گوید؟ در باب حدیث «ان صلحت امتی» و ایه ی «قل لکم میعاد...» (الایه) و ایام ربوبی فرماید:

«امراجع به حدیث نبوی» ان صلحت امتی فلها یوم وان فسدت فلها نصف یوم» اولاسندان بغایت ضعیف  
است، زیرا چنانکه خود «فرائد» بدست می دهد، سندش یکی کتاب (الیواقیت و الجواهر) «سید عبدالوهاب  
شعرانی» عالم عامه است، که از «شیخ تقی الدین بن ابی المنصور» عالم عامه نقل می کند که فرمود: «ان  
صلحت امتی فلها یوم» تا آخر، و دیگری مجلد «غیبت بحار الانوار» و در بحار حدیث مسند چنین است (صفحه  
ی 15 چاپ کمپانی) از کعب الاخبار که خود کعب می گوید:

«فی الخلفاء هم اثنی عشر اذا کان عند انقضاء هم واتی طبقه صالحه مدالله لهم فی العمر کذلک و عدالله هذه  
الامه ثم قرأ و عدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من

قبلهم قال وكذلك فعل الله عزوجل بنى اسرائيل وليس بعزیزان یجمع هذه الامه یوماونصف یوم وان یوماعندربك كالف سنه ممتعدون»

روایات كعب الاخبار گذشته ازاینكه بمنتهی درجه ضعیف است چون دربارہ ی او از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوسیله ی جماعتی نقل است كه فرمود كعب الاخبار كذاب است، این كلام را كعب الاخبار استناد به پیغمبر و یا امام نداده است، تاحجت باشد، وعلاوه مورد كلام او در یوم نصف یوم ربانی بر حسب ظاهر راجع به عمر طبقه ی صالحه، انهم در زمان انقضاء خلفای اثنی عشر، یعنی بعد از ظهور خلیفه ی دوازدهم است، نه راجع به مدت بقاء تمام امت، و دین خاتم الانبیاء (ص) پس به کلی اجنبی است از مورد كلام «ابوالفضل گلپایگانی» پس حدیثی كه مورد تمسك وی شده است سندش منحصر شد بهمان نقل «شیخ تقی الدین» به تنهائی وان هم مرسل بنا بر این حدیث مزبور از جهت سند بغایت ضعیف است.

ثانیا- باغمض عین از سند و فرض صدور ان گلپایگانی در عبارت گذشته اش می گوید: «این حدیث وقتی وارد شد كه ایه ی مباركه ی «لكل امه اجل» ناز گشت، و مردم از حضرت رسول استفسار نمودند كه اجل امت اسلام چیست؟ و بنای عزت این دین در عالم تاكي؟

می گویم از كجا ثابت شد و به چه دلیل می گویند حدیث مزبور در جواب چنین سؤال و استفساری بوده، ان هم بعد از نزول ایه ی شریفه ی مزبوره (تا اینکه می فرماید) و بر تقدیر اینکه حدیث مزبور پس از نزول ایه و در جواب ان استفسار مردم باشد، می گوئیم بر حسب ظاهر عبارت شیخ تقی الدین حدیث تا (فلهانصف یوم می باشد) و عبارت «یعنی من ایام الرب المشار الیه بقوله تعالی وان یوماعندربك كالف سنه ممتعدون» تفسیری است از خود شیخ مزبور در ذیل حدیث، و مربوط به عین حدیث نیست و بنابراین مقصود از یک روز حدیث كه فرموده اگر امت من صالح بشوند برای

انهايكروز خواهد بود و اگر فاسد شوند نصف روز، ممكنست برسبيل فرض ومثال باشد، وغرض از حديث اينكه فساد در امت عمر و بقا نامت را هر چه باشد نصف مي نمايد، وممكنست تنوين كلمه ي يوم، تنوين تفخيم باشد، يعني اكر صالح شوند، امت من براي انها روز با عظمتي خواهد بود، و اگر فاسد شوند عظمت انها نصف خواهد شد، و حاصل اينكه رسول خدا (ص) در مقام جواب سؤال مردم تحديد و تعييني تفصيلانفرموده، بلكه اجمالاً فرموده اند كه دوام وعظمت وعزت امت بستگي تامي بصلاح و فساد انها دارد، و از مؤيدات اينكه اگر تعيين بقاء اين امت واقعا بهزار در صورت صلاح انها و بنصف انها در صورت فساد انها شده بود، با انهمه فسادي كه از همان صدر اول در زمان خلفاي بني اميه و بني عباس در ميان انها بود، اين امت بايد در نيمه ي هزار منقرض وزائل شده باشد، و حال انكه به اتفاق ما و ابو الفضل در سنه ي 5.. انقراض حاصل نشده است وممكن است بجاي تفسير شيخ تقى الدين كسي تفسير كند، مراد از يوم اشاره به مقدار يومي است كه در اين ايه ي شريفه است: «في يوم كان مقداره خمسين الف سنة» در سوره ي المعارج، و بنا بر اين حديث مزبور بر ضرر و عليه مدعاي گلايگاني تمام مي گردد.

ثالثاً- بر فرض بودن كلام «يعنى من ايام الرب المشار اليها بقوله تعالى وان يومنا عند ربك كالف سنة مما تعدون» از تمه ي حديث مي گوئيم به مبدأ هزار سال از كجا و به چه دليل بايد سنه ي وفات حضرت عسگري عليه السلام باشد؟ بلكه هر بيغرضي تصديق مي كند كه مبدأ آن از احتمالات سه گانه ي ذيل خارج نخواهد بود:

1- سنه ي يعثت و پيداشدن اولين افراد امت.

2- سنه ي صدور اين حديث از پيغمبر (ص).



3- سنه ی رحلت پیغمبر که مرابقاء امت از بعد وجود مقدس ان حضرت باشد، بدو تأسیس امت ان حضرت بعد از وفات حضرت عسگری نبوده که مبدأ این تاریخ از انجا گرفته شود، تمام ائمه و مردم زمان انهانیز از امت ان حضرت بوده اند، واضح است که با هر یک از این سه احتمال در مبدأ هزار سال حدیث با مقصود گلیایگانی که ظهور علی محمد باب باشد منطبق نگردد، انتهی از کتاب بهائی چه می گوید؟

4- سوره ی بقره ایه ی 137 «و کذلک جعلناکم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً» و همچنین قرار دادیم شما را امت نیکوتر (میان‌ه) تا باشی گواهان بر مردمان، و باشی پیغمبر بر شما گواه. مؤلف بعد از نقل ایه ی مذکور می گوید این ایه به صراحت تام، امت اسلام را امت میانه می خواند.

پس ما قبل و ما بعد او امم دیگری وجود نخواهند داشت، و معنی این ایه از خطبه ی مشهور امیر المؤمنین (ع) در زیارت دوره در باب تحیت رسول می فرماید: «الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل» جواب - برخلاف آنچه نویسنده ی خاتمیت و داعیان بدعت بهاء در پیرامون این ایه گفته اند، امت وسط به ان معنی که مذکور گردید، یعنی ما قبل و ما بعد امت مرحومه پیغمبرانی باید وجود داشته باشند، در هیچیک از تفاسیر عامه و خاصه نیامده، و کلمه ی وسط لغتاً به معنی «عدل» و «الخیار» (نیکوتر) آمده، و معنی ایه به حسب معنی لغوی چنین می شود که ما شما را امت نیکوتر قرار دادیم... الخ. در تفسیر مجمع آمده «الوسط العدل وقیل الخیار و معناهما واحدان العدل خیر و الخیر عدل» وسط یعنی عدل و گفته شده است یعنی نیکوتر و هر دو معنی یکیست، زیرا عدل خیر است و خیر عدل.

و همچنین در همان تفسیر است: «قال صاحب العین الوسط من کل شیئی اعدله و افضله وقیل الواسط کماقیل الیابس و الیبس وقیل فی صفة النبی (ص) کان من وسط قومه ای من خیارهم»

ترجمه - وسط هر چیز افضل (برتر) و اعدل (میانه) انست و در صفت پیغمبر اکرم گفته شده او از وسط قومش بود، یعنی از نیکان آنها.

مؤید این معنی دنباله ی خودایه است که معنی وسط را روشن می کند.

«لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا» (تا باشید گواهان بر مردمان، و پیغمبر باشد گواه بر شما) منظور اینست که شما بهترین امت هستید حجت خدا و گواه او بر مردمید و پیغمبر که بهترین شماست بر شما حجت و گواه خواهد بود، و انگهی القران یفسر بعضه بعضا برخی آیات قران و برخی دیگر را تفسیر و بیان می کند، و ایه ی کنتم خیر امة اخرجت للناس، (الایه) «شما بهترین امتها هستید که برای مردم ظاهر و آشکار گشتید» معنی امة و سطارا تفسیر می کند که (مرا بهترین امت است) و حتی می بینیم مضمون هر دو ایه یکیست، زیرا ایه ی اخیر بهتر بودن را تعلیل می نماید به اینکه امر به معروف و نهی از منکر می کنید و ایه ی نخست تعلیل می فرماید به سرمشق بودن برای مردم، همانطور که پیغمبر سرمشق عملی شماست، و سرمشق بودن هم همان واداشتن به نیکی و بازداشتن از بدی است بوسیله ی اعمال. به توجه به شرح مذکور و مطالب تفسیر مجمع و با مراجعه به سایر تفاسیر عامه و خاصه که مجال ذکرش اهدازان مدارک در این مختصر نیست، روشن است که کلمه ی وسط در ایه بمعنی نیکوتر و میانه رومعتدل آمده، و از کلمه ی وسط هیچگاه اراده ی اخبار ظهور امت دینی و قیام نبی پس از پیغمبر اسلام نشده، و از ائمه ی دین و مفسرین حقیقی قران که تالی کتاب الله و عترت رسول و من عندهم علم الكتاب می باشند چنین بیانی نرسیده، بل بشرح سابق الذکر (در فصل نبی و خاتم) کتاب و سنت و اجماع مخالف قول تجدید شریعت است، و اما مراجع به جمله ی «الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل» در خطبه ای از نهج البلاغه در وصف رسول اکرم چنین است:

«الخاتم لمسبق والفتاح لمانغلق» ولفظ انغلق بمعنی امر مشکل و معضل باشد، و معنی جمله اینست که پیغمبر اکرم گشاینده و بازکننده ی جمیع مشکلات و معضلاتی که رو آورده و مواجه شده بودمی باشد، و با توجه به اینکه فعل به صیغه ماضی آورده شده نه مستقبل، به هیچ وجه افاده ی مضمون رادرمورد زمان بعد از نبی نمی کند، و برای مقصود مؤلف مناسب بود والفتاح لمایستقبل گفته شود، و بطور خلاصه مضمون عبارت اینست که پیغمبر گشاینده و بازکننده ی تمام اموری است از مشکلات و معضلات که در طول حیات به انحضرت استقبال نموده مواجه گشت.

یا مشکلات معارف و حقایق بعلم ان سرور و مشکلات حیات بهدایت او حل گردد.

در اینصورت در انغلق معنی ماضویت نیست، از قبیل «فتجلی ربهم فی کتابه... بما یربهم من قدرته و خوفهم من سطوته» که این تجلی و ارائه و تخویف تاقران وجود دارد، مستمر است و اختصاص به ماضی ندارد و در هر حال استفاده ی بعث نبی از جمله ی گذشته بهیچوجه نمی شود.

## احادیث

نویسنده ی خاتمیت سپس به نقل احادیث چندی پرداخته و به انها استدلال جسته از جمله:

1- از «اربعین» نقل نموده (یظهر من بنی هاشم صبی ذو کتاب جدید فیدعوالناس ولم یجبه احدواشرا عداثه

العلماء فاذا حکم بشیئی لم یطیعوه فیقولون هذا خلاف ما عندنا من ائمة الدین)

2- از «بحار الانوار» جلد 13 عربی صفحه ی 195 (عن ابی بصیر قال قال ابو جعفر (ع) یقوم القائم بامر جدید و کتاب

جدید و قضائ جدید علی العرب شدید لیس شأنه الا بالسیف لایستنبی احداً و لاتأخذه لومة لائم).

3- از «بحار الانوار» جلد 13 عربی ص 194 (عن عبدالله بن عطاء قال سئلت ابا جعفر الباقر فقلت اذا قام القائم بای

سیره یسیر فی الناس فقال (ع) یهدم ما قبله كما صنع رسول الله ویستأنف الاسلام جدیداً).

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

4- از همان کتاب ص 19. «عن ابی عبد الله قال العلم سبعة وعشرون حرفا فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة والعشرين حرفا.» مؤلف پس از نقل این احادیث به کلمات (کتاب جدید) و «قضاء دین» و «امر جدید» اسشتها دسته و گفته است، مراد از کتاب جدید کتاب اسمانی دیگری غیر از قرآن، و مقصود از امر جدید و قضاء جدید دین جدید و قضاوت جدید طبق دین جدید خواهد بود، و از عبارت قسمت اخیر حدیث سوم (یهدم ما قبله كما صنع رسول الله ويستأنف الاسلام جدیدا) چنین استفاده نموده که قائم چون قیام کند، بسیره ی پیغمبر که ادیان پیش از خود را منهدم ساخت و ابتداء به دین جدیدی نموده عمل خواهد نمود.

جواب- از جمله ی اختصاصات حضرت بقیة الله که متواتر آرد باره ی ان وجود اقدس نقل گردیده انستکه به وجودان سرور و در عهد میمون او دین اسلام به کمال قدرت و استیلا و تجلی خود نائل می گردد، و نور تو حید از مجلای قرآن بر سراسر جهان پرتومی افکند و عدل و داد و مروت و رحمت جای ستم و نارو و فساد و نقیمت را بگیرد و مصداق ایه ی شریفه ی «لیظهره علی الدینکله» اشکاری می شود و به «یملأ الله الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا» بدیهی است تحقق دادن و ایجاد چنین اوضاع و احوال ملزم با موری است نسبتا خارق العاده و بی سابقه، و بطور کلی از آثار دینی مستفاد است که سیره ی مهدی (ع) با سیره ی اجداد اجدادش ائمه ی طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین، و حتی با سیره و روش شخص پیغمبر اکرم (ص) در بعضی جهات فرق فراوان خواهد داشت، از جمله مدارا و ماماشاتی که پیغمبر اکرم (ص) با منافقین) انهایی که به ظاهر مسلمان و در باطن کینه ی اسلام را در دل داشتند، امثال ابوسفیانها و معاویه هانی فرمود و جانشینان برحق پیغمبر با خلفای جور و غاصبین خلاف برعایت حفظ اساس اسلام مدارا می نمودند، و تقیه را شعار خود داشتند، و امثال این خصوصیات که در قیام قائم ال محمد منتفی است، وان حضرت

چون ظاهر شود امور جدیدی را تصدی خواهد فرمود که لامحاله برای تشکیل مدینه ی فاضله و ریشه کن ساختن مظالم و مفسد و استقرار حق در جایگاه ان لازم و ضروری است منجمله:

1- مهدی موعود (ع) تقیه نخواهد فرمود و با تمام قوا با تمام مظاهر بیداد و کفر مبارزه خواهد نمود، و یکی از علل غیبت ان بزرگوار را برای نبودن بیعت حکام ستمگر در عهده ی ان حضرت نقل فرموده اند.

2- در قضاء (قضاوت) به علم موهوبی الهی حکم خواهد کرد و در این «قضاء جدید» برخلاف سیره ی گذشتگان مطالبه ی گواه و بینه نخواهد فرمود.

3- کشتاری عظیم از دشمنان دین خواهد کرد که در هیچ یک از نهضت‌های دینی سابقه نداشته و از ان «ملحمه ی عظمی» کشتارگاه بزرگ، سفره ای برای طیور و هوام و سباع گسترده خواهد شد، و این «امر جدید» بر مردم علی الخصوص بر عرب گران خواهد آمد، و مردم خواهد گفت اگر این شخص ازال محمد (ص) بود چنین کشتاری نمی کرد.

4- بر تمام اقطار عالم دست خواهد یافت و حکومت وی بر جهان مستولی و نافذ خواهد گردید.

بدیهی است صرف نظر از جهات استثنائی که لازمه نهضت مهدی است، و قسمتی مذکور گردید، مهدی موعود (ع) طبق سیره ی پیغمبر اکرم (ص) عمل خواهد فرمود، و همچون ان بزرگوار مردم را به اسلام محض خواهد خواند، و بدعت ها که بنام دین در طی قرون و اعصار قبل از قیام وی بدامن پاک اسلام چسبیده است، بدست ان حضرت زدوده خواهد شد، و چونان رسول خدا که رسم بت سازی و بت پرستی و اداب و رسوم خرافی جاهلیت را منهدم ساخت، وی نیز مبانی انحراف و رسوم جهل و پایه های فساد و بدعت حاد را را از گون و یکسره محو و نابود نماید. «یهدم ما قبله کما صنع رسول الله» و کتاب خدا و دین جدش را از اندراس و کهنگی در آورده و تجدید و تازه خواهد کرد، و نیز قیام بسیف خواهد فرمود، و خداوندان بزرگوار را بتائیدات

اسمانی و غیبی مانند رسول اکرم مؤید می فرماید، و مخالفین دین را بقیام او مرعوب می سازد و آنچه در روایات راجع به امام عصر ارواحنفا داده بتعبیراتی از قبیل (امر جدید) و (قضاء جدید) و (کتاب جدید) و امثالها استعمال گردیده منظور ذکر اموری است که بیان آنها مذکور افتاد و احادیث مورد استشهاد بهائیه (که عیناً نقل گردید) ناظر به همین قضایا و اموری باشد، بخصوص در حدیث «عبداله بن عطا، جمله ی (و یستأنف الاسلام جدیداً) جالب دقت است، و حضرت ابو جعفر محمد بن علی علیهما السلام پس از بیان سیره ی مهدی (ع) می فرمایند قائم ابتداء به اسلام کمک می کند جدیداً، یعنی اسلام را سر می گیرد و آن راتازه و نومی کند پس از اندراس، و همچنین مضمون درباره ی کتاب جدید صادق است، یعنی پس از اندراس و کهنگی آن راتازه می گرداند، و بر فرض که منظور از کتاب جدید واقعا کتابی غیر از قرآن ماباشد، آن کتاب شریعت که ناسخ قرآن گردد نخواهد بود، و تأیید این گفتار روایتی است در کتاب شریف «وافی» ص 63 از حضرت صادق علیه السلام که فرمود:

«ان لكل واحد مناصحیة فیها ما یحتاج الیه ان یعمل به فی مدته فاذا انقضی فیها ما امر به علم ان اجله قد خضر» از برای هر یک از ما کتابی است که در آن وظایفی که باید در زمان حیات عمل نمائیم موجود است، و چون آن وظایف به پایان رسد و انجام شود، می دانیم اجل ما فرارسیده.

و نیز در ص 61 ج 2 حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: «ان الوصیة نزلت من السماء علی محمد (ص) کتاباً (یعنی مکتوباً) لم ینزل علی محمد (ص) کتاب مختوم الا الوصیة فقال جبرئیل یا محمد هذه وصیتک فی امتک عند اهل بیتک فقال رسول الله ای اهل بیتی یا جبرئیل قال نجیب الله منهم و ذریته لیرثک علم النبوه كما ورثه ابراهیم و میراثه لعلی (ع) و ذریته من صلبه قال و کان علیها خواتیم قال ففتح علی (ع) الخاتم الاول و مضی لما فیها ثم فتح الحسن (ع) الخاتم الثانی و مضی لما مسر به فیها فلما توفی

الحسن(ع)ومضی فتح الحسین(ع)الخاتم الثالث فوجد فيهما قاتل فاقتل وتقتق واخرج باقوام  
للشهادة لاشهادة لهم الامعك قال ففعل فلما مضى دفعها الى علي بن الحسين(ع) قبل ذلك ففتح الخاتم  
الرابع فوجد فيهما اصمت واطرق لما حجت العلم فلما توفي ومضى دفعها الى محمد بن علي عليهما السلام  
ففتح الخاتم الخامس فوجد فيهما فسر كتاب الله وصدق اباك وورث ابنك واصطنع الامة وقم بحق الله  
تعالى وقل الحق في الخوف والامن ولا تخش الا الله ففعل ثم دفعها الى الذى يليه»

خلاصه ی فرمایش امام صادق علیه السلام اینست که(مکتوبی) کتاب مختومی از اسمان بر محمد(ص) نازل  
گردید و کتاب مختومی جزو وصیت بر محمد نازل نگردیده، و بران کتاب مهر هائی بود، مهر اول را علی علیه  
السلام گشود و بوظایف خود ازان کتاب مکتوب عمل نمود، و مهر دوم را فرزندش حضرت  
حسن(ع) گشود و بر آنچه مدمور بود در ان مکتوب عمل کرد، پس از وفات حضرت مجتبی مهر سوم  
را حضرت سید الشهداء علیه السلام گشود و در ان مکتوب دستور قیام و قتال و شهادت را دریافت و بر طبق ان  
مشى فرمود، سپس ان کتاب به حضرت سجاد(ع) منتقل گردید و مهر چهارم را گشود و دستور سکوت  
و انزوار نسبت به خود در ان معاینه فرمود و انجام داد، و همچنین پس ازان جناب مهر پنجم را حضرت  
باقر(ع) گشود و در ان ملاحظه فرمود که مأوراست قیام علمی فرماید و کتاب خدا را تفسیر کند، و حق  
را در هر حال اظهار نماید و در بسط معارف قران و علوم دین بذل جهد فرماید و چنین فرمود، و سپس ان  
حضرت مکتوب را به کسی داد که پس از خودش می آید(حضرت صادق علیه السلام) رد فرمود... الخ.

بنابریان یکی از معانی کتاب جدید ممکن است همین صحیفه ی مختوم باشد که با هر یک از ائمه  
خواهد بود و احتمال دیگری که در معنی کتاب جدید می توان داد که شاید از سایر احتمالات قوی  
تر و صحیحتر باشد اینست که مامی دانیم بشواهد مسلم تاریخی در عصر رسول اکرم صحابه هر کدام کتابی

داشتند که علاوه بر رسم الخط وقرائت و ترتیب آیات و سوره، هر یک از انهاروایاتی را که از رسول اکرم (ص) شنیده بودند در معانی آیات و تفسیر انهادران می نوشتند، و لهذا قران هر یک از صحابه بنام خودش موسوم گردید، مانند «قران زید» و «قران ابن مسعود» و غیره و یک جهت اینکار این بود که هنوز معمول نشده بود احادیث را جداگانه ضبط و تدوین کنند و از جمله ی قرانها «قران علی» علیه السلام بود، که ان حضرت نیز تفاسیر آیات را از زبان پیغمبر اکرم در ان می نوشت، و چنانکه خود مولادرنهج البلاغه ی شریف می فرماید: «ایه ای نسبت مگر اینکه من ناسخ و منسوخ ان وعام و خاصش رامی دانم و می دانم که شب نازل شده یاروز، درسفر یادرحضر، درجب یاسهل، و مانند بچه شتری که دنبال مادرش بیفتد، پیغمبر را دنبال می کردم و از اومی پرسیدم و او همه رابه من می اموخت» حال کجا است ان مطالب که علی (ع) از پیغمبر پرسیده و چرا معانی قران برای بزرگترین محققین تمام روشن نیست. آیا حضرت ان مطالب را ضبط نکرده و گذاشته تا از میان برود؟

چنین سوءظنی درباره ی مثل علی (ع) روانیست، پس انهارا ضبط فرموده و چون از اون شنیده اند، نزد فرزندانش بجا گذاشته، و بالتیجه ان قران بمهدی منتظر علیه الصلوٰة والسلام انتقال یافته، و محتمل است مراد از کتاب جدید همان باشد.

در هر صورت باتوجه به روایات سابق الذکر و احتمال اخیر و وجود نص صریح، بلکه نصوص متواتره بر ختم نبوت، پرواضح است که مراد از کتاب جدید شرع جدید و کیش تازه نمی تواند باشد، بخصوص که درسیره ی قائم نقل شده که انحضرت ترویج از قران و اسلام می فرماید، و برسیره ی جدش (ص) رفتار می کند، و اسلام را از سر می گیرد.

«و یستأنف الاسلام جدیدا»

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!



وهمچنین راجع به امر جدید (فرمان تازه) حدیث در جلد 13 «بحار» صفحه ی 182 از «بصائر الدرجات» منقول است، مسند از «رفیدمولی ابی هبیره» از امام صادق (ع) که فرمود: «ای رفیدچگونه خواهی بود چون اصحاب قائم را ببینی که در مسجد کوفه خیمه های خود رازده اند.» پس انحضرت فرمان جدید و تازه بیرون آورد که بر عرب دشوار و جدید است، رفید گوید عرض کردم: «فدایت شود، ان فرمان چیست؟» فرمود «کشتن قال جعلت فداک ماهو؟ قال الذبح.»

حدیث دیگر در «وافی» ثانی ص 113 از «محمد بن مجلان» از امام صادق که فرمود:

«چون قائم قیام کند از سر نو مردم را به اسلام دعوت کند، و به امری که کهنه و محوشده، پس جمهور مردم از ان گمراه شده اند، انان را هدایت کند.»

و باز حدیث دیگر از جلد 13 «بحار» ص 198 از تهذیب مسند از «محمد بن مسلم» که گفت: «سؤال نمودم از ابوجعفر محمد بن علی (ع) که قائم چون قیام کند به چه سیره در میان مردم رفتار کند؟»

فرمود: «سیره ای که رسول خدا سیر و رفتار نمود، تا اینکه ظاهر و غالب سازد اسلام را.» گفتم «سیره ی رسول خدا چه بود؟» فرمود: «آنچه را در جاهلیت بود (شرک و فساد و ظلم) باطل و منهدم نمود، و بعدالت با مردم مواجه شد و همچنین است قائم، چون قیام کند آنچه را که در دست مردم در حال واگذاری انان است (نبودن حکومت حقه و وجود حکومت باطله) باطل و منهدم سازد و بعدالت با مردم مواجه شود.»

اینک بانقل این روایت معنی «امر جدید» و «کتاب جدید» و «دعاء جدید» و «قضاء جدید» روشن شد، و بر محقق منصف بصیر کاملاً معلوم است که مراد از انهدام امور ما قبل ظهور بدست مهدی (ع) نسخ شریعت و هدم دین قبل نیست، بلکه مقصود از اله و محبوب دعت ها و رسوم باطل و ویرانی کاخهای ارزوهای مردم ستم پیشه

است، وانهم انشاء الله دور نیست «ان موعدا الصبح السی الصبح بقیری» ولهدا در دعای ندبه در مقام ابتهال  
واظهار تأثر از مهجوری و فرقت از ساحت مقدس ولی عصر می گوئیم:

«این المؤمن لایحیاء الکتاب و حدوده، این محیی معالم الدین و اهله، این قاسم شوکة المعتمدين این هادم  
ایبنة الشکر و النفاق»

کجاست انکس که امیدوار زو برای زنده کردن قران و حدودان با اوست، کجاست زنده کننده ی نشانه  
ها و آثار و معارف دین و اهل ان، کجاست شکننده ی سطوت متجاوزین، کجاست منهدم کننده ی بناهای  
شکر و نفاق.

## بار خدایا

از تو مسئلت می کنیم بذات مقدس خود و به اسماء حسنایت، این مهجوری و دوری را به پایان برسان، و غم  
تیره ی ضلالت را کران تا کران افق جهان را تیره ساخته، بطلوع شمس دین و نور و وجه مبین مهدی مرتفع فرما.

## آئینه ی رحمان

### قسمت پنجم

در این قسمت مؤلف بکملت اصطلاحات عرفانی و تشبث به مشرب عرفان که همواره برای وارونه کردن  
حقایق ملعبه ی دست این طایفه بوده، بدایت و نهایت در نبوات امر اعتباری و بغير معنی حقیقی ان گرفته  
و انرا با اولیت و آخریت حق متعال تمثیل نموده، و چون بالضروره حق متعال اول بلا اول و آخر بلا نهایت  
است، از این تمثیل و تنظیر خواسته است حل مسئله ی خاتمیت را در موضوع نبی خاتم به میل  
و مراد خود بنماید، و لهدامی گوید:

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

«برگزیدگان حق مرایای تمام نمای جمیع اسماء و صفات حقند، و اولیت و آخریت و بدأ و ختم آنان نیز از قبیل بدأ و ختم الهی است.»

و اینکه نص عبارت نامبرده در بحث ائینه ی رحمان:

«مظاهر الهیه مظهر بدئیت و ختمیت و اولیت و آخریت حضرت احدیت می باشند، چون هر چه بیان نمائیم و شرح دهیم نتوانیم ذره ای از بیان الهی اشکار کنیم.»

و از بهاء الله از کتاب ایقان نقل کند:

«و این مرایای قدسیه و مطالع هویه بتمامهم از ان شمس وجود و جوهر مقصود حکایت می نمایند، مثلاً علم ایشان از علم او، و قدرت ایشان از قدرت او، و سلطنت ایشان از سلطنت او، و جمال ایشان از جمال او، و ظهور ایشان از ظهور او، و ایشانند از مخازن علوم ربانی و مواقع حکمت صمدانی، و مظاهر فیض نامتناهی، و مطالع شمس لایزالی»  
همچنین بهاء الله گوید:

«و این هیاکل قدسیه مرایای اولیه ی ازلیه هستند که حکایت نموده اند از غیب الغیوب و از کل اسماء و صفات او از علم و قدرت و سلطنت و عظمت و رحمت و حکمت وجود و کرم، و جمیع این صفات مختص به بعضی دون بعضی نبوده و نیست، بلکه جمیع انبیاء مقربین و اصفیای مقدسین به این صفات موصوف و به این اسماء موسومند، معذک چه مقدار از نفوسی که به سبب عدم بلوغ به این مطلب، بذکر خاتم النبیین محتجب شده، از جمیع فیوضات محجوب و ممنوع شده اند، و باینکه خودان حضرت فرمود:

«اما النبیین فاذا» و همچنین فرمودند:

منم ادم و نوح و موسی و عیسی چنانکه ذکر شد، معذک تفکر نمی نمایند بعد از آنکه بران جمال ازلی صادق می آید که بفرماید:

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

منم ادم اخروهمچنان که بدأ انبیاء هم به انجمال الهی نسبت داده می شود و این بسی واضح است که بعد از آنکه بداء النبیین بران حضرت صادق است، همان قسم ختم النبیین صادق اید، و به این مطلب جمیع اهل ارض در این ظهور ممتحن شده اند، چنانکه اکثری به همین قول تمسک جسته، از صاحب قول معرض شده اند.

نمی دانم این قوم از اولیت و آخریت حق متعال جل ذکره چه ادراک نموده اند؟ اگر مقصود از اولیت و آخریت ملکی باشد، هنوز که اسباب ملکی به آخر نرسیده، پس چگونه آخریت بران ذات احدیت صادق باشد، بلکه در این رتبه اولیت نفس آخریت، و نفس اولیت باشد.

سپس مؤلف در دنباله ی کلمات بهاء الله گوید:

«از بیانات مبارکه کاملاً منظور و مقصود خاتمیت و اولیت و علت ان اشکار گردید، خلاصه اینکه انبیای الهی بمثابة اینه ای هستند که در مقابل شمس الوهیت قرار گرفته اند، و همانطوری که جمیع اسماء و صفات شمس ظاهری در اینه ی صافی تجلی نمایند، همین قسم اسماء و صفات الهی در این مریای حقیقی تجلی می فرماید، و چون الویت و خاتمیت از جمله ی صفات الهی است عیناً در این مریای رحمانی جلوه گر شده و دران واحد مظهر اولیت و خاتمیت الهی می باشند.»

کسانی که به اثار قلمی سید باب و نوشته ها و الواح میرزا حسینعلی بهاء مراجعه نموده باشند می دانند که تمامی انها مشحون از همین قبیل توجیهاات نارسای عرفانی و تأویلات خیالی است، با کمی دقت استنباط می شود که رشته ی بافندگی از شیخ احمد احسائی شروع شده و پس از آن بوسیله ی سید کاظم رشتی مروج طریقه ی شیخ بشاگردان وی از جمله سید باب سرایت نموده، و اساساً زمینه ی دعوی بعدی را در فکر او فراهم کرده و شیوه ی عرفانی بافی را در آثارش بجا گذارده، و پس از باب حسینعلی بهاء نیز براه

سلف خودسلوک نموده، بخصوص در مدت قریب به دو سال که در او اقامت خود در بغداد به کوههای سلیمانیه رفته بود در اثر خلط و آمیزش بادراویش نقشبندی، بامشرب صوفیگری و اصطلاحات قوم خو گرفته و آشنا گردید، و حتی معروف است که کتاب «ایقان» را در همان ایام برشته ی تحریر در آورده و به رساله ی «خالویه» موسوم ساخته است. معذک چون تحصیلات بهاء در این باب ناقص بود و عمیقاً عرفان را نیاموخته بود، اثاری اطلاعی از مبانی عرفان نیز در تألیفاتش هویدا گردید. هر طبع و یابس که بر قلمش جاری گردید بنام الواح و آیات منزلات به پیروان خود تحمیل نمود، فی المثل در باب وحدت وجود و موجود، و فنای سالک واصل در ذات حق عرفا و صوفیه مطالبی نظام منشا مبتنی بر این اصل گفته و اظهاراتی نموده اند و به مشرب انان در عین حال که سالک خود را فانی در حق می دانند باقی به او خود را می یابد، و اگر در مقام فائزانه انالحق درمی دهد، ولیس فی جبتی سوی الله می سراید، ذات واجب را منحصر در وجود خود نمی کند، که در این مذهب صوفی کفر و شرک است، و بنابه مبانی وحدت وجود و موجود غلط باشد، ولی بهاء الله همین مقدار هم از مبانی عرفان بشری آگاه نبوده و یکمرتبه با حصر الوهیت در وجود خود لاله الا نا گفته است و لاله الا نا المسجون الفرید سروده (1) و چقدر تفاوت است بین دو عبارت که کسی گوید لیس فی جبتی سوی الله و یا گوید لاله الا نا، اولی فانی در بحر وجود حق شدن و خود را از حق دانستن است، و دومی حصر الوهیت در ذات خود و منحصر او را خدا واجب الوجود پنداشتن.

1- معبودی جزمی که تنها گرفتار زندان هستم نیست.

بمقتضای توحید مکتب قران و معرف حق، می دانیم که خداوند عزوجل در ذات و صفات خود یگانه و بی چون و بی همتا و احدی الذات و احدی الصفات است، و ازلیت و ابدیت و الویت و اخریت او را نظیری و عدیلی و مثلی نباشد، تا به ان تشبیه گردد. در ذات و صفات خود یکتا و ازلی و ابد بقضیه ی اوست، ماسوی و من فی

الامكان مخلوق ومحدود متناهي وعاجز الذات ومحتاج به ان هويت سرمدى وذات ازلى هستند، «هو الاول والاخر والظاهر والباطل وهو بكل شئى عليم»

سنخ وجود وذات پروردگار غیر سنخ مخلوق بوده و خداوند عزا سمه هیچگاه در ذات و صفات خود هم سنخ وهم جنس با مخلوقات نیست، تا اینکه الویت و آخریت و بدأ ختم نبوت را که صفت مخلوق ممکن الوجود و فقیر الذات است، بالویت و آخریت او تشبیه نمایند، و بر سبیل مماشات هر گاه روی مبنای وحدت عرفانی مشی کنیم، در عالم وحدت و فناوی رنگی دیگر «ما» و «من» و «او» و «الویت» و «آخریت» و هر گونه اشاره غلط است، و در این صورت ذکر خاتم النبیین و غیر خاتم النبیین خلاف وحدت باشد و توجیها ت به کار نیاید هومن اهوی و من اهوی انا و هر گاه نظریه کثرات و تعینات باشد، عناوین خاتمیت و اولیت و آخریت همه به معنی صحیح خود باقی و هر یک مفید مفهوم و مصداق خاص است، ادم اول غیر از ادم آخر، و ادم آخر غیر از ادم اول، و شیت هبه الله غیر از نوح نجی الله و نوح غیر از کلیم، و خاتم الانبیا / تغییر از تمام اینان است.

باری مبنای دین بر خیال بافی و خود سری نیست، و در حقایق موجوده ی عالم هر اسمی دارای مسمائی و هر مفهومی دارای مصداقی است، و امام صادق (ع) به «هشام بن الحکم» فرمودند: «یا هشام الخبز اسم للمأکول و النار اسم للمحرق» و این فرمایش کنایه ازان است که مفاهیم خیاله که انتزاع از مصداق خارجی نشود خیال است و وهم، و وقتی خداوند نبی مکرم خود را خاتم النبیین می نامند، این عنوان حکایت از واقعیتی است که در مورد هیچیک از پیغمبران گذشته مصداق نداشته است، و اگر معنی خاتمیت همان باشد که بهائیه در این مورد عنوان نموده اند باید بتوان تمام انبیای الهی خاتم النبیین گفت، زیرا همه ی انبیاء به تعبیر مؤلف خاتمیت مرایای حقند، و مظاهر کامله ی جمیع اسماء و صفات پروردگار و اولیت و آخریت الهی، در مجالی این هیاکل قدسیه و صافیه متجلی است بدون تفاوت، و دیگر مورد ندارد بخصوص

پیغمبر اسلام خاتم النبیین باشد و این لقب برای ان سرور علم گردد، و حال آنکه می دانیم این لقب از القاب خاصه ی نبی اسلام و اطلاق ان بر سایر انبیاء نه جایز است و نه صحیح، و نه تا بحال به سایر انبیاء خاتم النبیین گفته شده، و لهذا گفتار مؤلف بهائی تحت عنوان «ائینه ی رحمان» در این تفسیر سقیم که برای فرار از محذور خاتمیت بوادی شرک و کفر افتاده، و برای خداوند واحد که لیس کمثله شیئی است، نظیر و شبیه در صفات او قائل گردیده، برابر تکذیب اساس توحید و منافی وحدانیت حق متعال است.

و در آنجا که حضرت رسول می فرماید: «و اما النبیین فانا» مراد و اجد بودن تمام کمالات انبیاء الهیه از اولین و آخرین در وجود مقدس خود می باشد، و می دانیم کمالات انبیاء عظام از دون جهات بشری و عنصری مورد توجه است، و تعظیم و تکریم ان ذوات مقدسه از جنبه ی جسم و تن و نسب و سایر خصوصیات شخصی ی انان نیست، بل کمالات معنوی و مقام قرب و اخلاص و قداست، و عبودیت انان در دربار ربوبی و سایر ملکات نفسانی انهاست که موجب برتری و فضیلت و امتیاز انها می گردد، و لهذا اگر پیغمبر فرموده باشد: «و اما النبیین فانا» قطعاً مراد ان حضرت ان نخواهد بود که بفرماید فی المثل من همان «ابراهیم» فرزند «تارخ» هستم که امروز رجعت نموده ام و از صلب «عبدالله» بوجود آمده ام و یا اینکه من همان «نوح نبی» و «لوط» و «الیاس» و «هود» می باشم که در اعصار قبل هر عصری بنامی و در میان قومی بنبوت قیام کردم، و اکنون در بین ملت عرب برانگیخته شده ام، قطعاً مراد ان حضرت این سخنان نیست، بلکه در این سخن حضرت رسول الله کمالات انبیاء گذشته را بخود نیز نسبت می دهد، و خلاصه مفهوم اینست که هر کمالی که نوح و ادم و ابراهیم و موسی و عیسی و سایر پیغمبران داشته اند مجموعاً در وجود من جمع است و به تعبیر دیگر جهت جامع تمام کمالات انبیاء من هستم، و در جای خود ثابت است که حضرت رسول اکرم افضل و اکمل همه ی برگزیدگان حق بوده اند.

در اینجامقتضی است توضیح بیشتری در پیرامون بلند پروازی بهاءالله و دعوی الوهیت اوداده شود، همچنانکه اشارت رفت نامبرده عباراتی گفته است که صریح در دعوی خدائی است. در لوح «ابن الذئب» صفحه ی 42 گوید: «ان الذی خلق العالم لنفسه قد حبس فی اخب الدیار بما کسبت ایدی الغافلین» (1) و در مجموعه ی الواح گوید: «ان الذی خلق العالم لنفسه منعه ان تنظر الی احد من احبائه» (2) پیداست که در این عبارت اشاره به زندانی بودن خودش نموده و خود را فریدگار عالم معرفی کرده و همچنین در قصیده ی «ورقائیه» گوید: «کل الالوه من رشح امری تألھت - وکل الربوب من طفح حکمی تربت» (3) و در صفحه ی 32 «لوح ابن الذئب» استشهاد به حدیثی از رسول اکرم نموده که ان حضرت فرموده: «سترون ربکم کماترون البدر فی لیلۃ اربعۃ عشر» (4) و این عبارت را یک نوع پیشگوئی بر ظهور خودش تلقی و وانمود ساخته و سایر عباراتی که در این زمینه گفته و در تمام انها شکارا خود را خدای افریدگار و رب الارباب و بلکه خدا فرین دانسته.

1- انکسیکه جهان را برای خود افریده و در ویرانه ترین مکانها محبوس گردیده اینکار نتیجه ی رفتار مردم غافل و بیخبر است.

2- کسیکه جهان را برای خود افریده بازش داشتند تا یکی از دوستان خود را ببیند.

3- همه ی خدایان از ترشح فرمان من خدا شدند!!! و همه ی پروردگاران از ریزش حکم من پروردگار گردیدند.

4- زوداست که پروردگارتان را ببینید، چنانکه ماه رادرب چهاردهم می بینید. این عبارت که به عنوان حدیث آورده در هیچیک از کتب حدیث شیعه وجود ندارد و مضمون ان مخالف نصوص قران و سنت است که رویت خداوند را غیر ممکن و امر محال می داند و هر جا صحبت از دیدار خداوند است، مراد رؤیت



و شهود قلبی است نه دیدار حسی، چنانکه امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «ولکن راته القلوب بحقائق الایمان» و حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

«لم تره الابصاره بمشاهدة العیان ولكن رأته القلوب بحقائق الایمان، لا یدرک بالحواس ولا یقاس بالناس معروف بغير تشبیه»

بعضی از مبلغین بهائیه در مناظرات خود سعی می کنند در برابر طعن دیگران به این دعوی باطل متوسل بتأویلات گردند و بگویند این عبارات تأویل دارد و مراد الوهیت صرفه نیست و غفلت می کنند که بهاء الله پیروان خود را از تأویل منزلاتش بر حذر داشته و عبدالحمید اشراق خاوری مؤلف بهائی تمام نصوص کیش بهائی را در حرمت تأویل کلمات بهاء الله در کتاب «گنجینه حدود و احکام» در فصل مجزی گرد آورده و در انجام مکرر او مؤکدا دستور داده شده که کلمات الهی (یعنی منزلات بهاء الله) را تأویل نکنید و عبارات را به معنی لغوی مصطلح قوم بیان کنید.

بنابراین جای تردید نمی ماند که بهاء الله صریحاً بدون تأویل و توجیه ادعای خدائی داشته و «ملا محمد علی قاینی» بهائی در کتاب «دروس الدیانه» درس نوزدهم می گوید:

«قبله ی ما اهل بهاء روضه ی مبارکه است در مدینه ی عکا (قبر بهاء الله) که در وقت نماز خواندن باید روبرو روضه ی مبارکه بایستیم و قلباً متوجه بجمال قدم جل جلاله (1) و ملکوت ابهی (2) باشیم» و بعد از چند سطر گوید: «و اما در وقت تلاوت آیات و خواندن مناجات روبرو قبله بودن واجب نیست، بهر طرف روی ما باشد جایز است» «انما تولوا فتم وجه الله» ولیکن چنانچه ذکر شد در قلب باید متوجه بجمال قدم و اسم اعظم (3) باشیم زیرا مناجات و راز و نیاز ما با اوست و شنونده ای جز او نیست و اجابت کننده ای غیر اوست.»

1 و 2 و 3 - از القاب بهاء الله است.

حال اگر بهائیه کسی را که بقول خودش بدست مردم زندانی شده و بگفته ی خواهرش «عزیه خانم» در رساله ی «تنبيه النائمین» (1) تا آخر عمر به رعشه ی دست مبتلا بوده و بمرض فتق در گذشته است خداورب الارباب می دانند، بحثی برانان نیست و طرف خطاب افراد فریب خورده ای هستند که کیش بت پرستی را بعد از چهارده قرن که از رسم بت شکنی می گذرد، بعنوان دین روشنفکری پذیرفته اند. وقتی بناشود روی کم اطلاعی و تبلیغات سوء، ائین مقدس توحید و تعالیم عالییه ی اسلام را رها کنند، بناچار دوچار چنین خرافات و بت پرستیها خواهند شد.

1- صفحه ی 65 تنبيه النائمین.

## روز خداورب

طریقه ی ششم - طریق دیگر که مؤلف در باب خاتمیت وارد گردیده عنوان مجعول مذکور در فوق است، و مدعی است که قران مردم را از پیش به دو ظهور بشارت داده:

اول - ظهور رب که انرا تطبیق با ظهور (باب) نموده.

دوم - یوم الله و ظهور خدا، و انرا منطبق با دعوی بهاء الله شمرده، و عبارت وی چنین است: «قران مجید به

دو ظهور بشارت داده، ظهور اول را ظهور رب نامیده، و ظهور ثانی را به ظهور خدا و یوم الله معبر فرموده، حال

اهل بهاء را عقیدت چنان است که مواعید اسلام تحقق یافته و دو ظهور اعظم کشف نقاب فرموده، و عالم را به

اشراق انوارش منور فرموده اند.

ادعای نبوتی در بین نیست تا معارض خاتم النبیین باشد، و بیان مطلبی نه که مخالف قران و مافی القران

شود و موعود قران مجید بدون ستر و حجاب ظاهر شده، و بشارت و مواعید کتاب کریم تحقق یافته» و سپس این

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

ایات رادلیل وشاهد برمدعی خود ذکر کرده، ایه ی 6سوره ی المطففین «یوم یقوم الناس لرب العالمین» روزیکه می ایستند مردمان برای پروردگار عالمیان، ایه ی 33 ازسوره ی فجر «جاء ربک والملك صفأ صفأ» امد (امر) پروردگار تو و فرشتگان صف در صف. وایه ی 159 سوره ی انعام «یوم یأتی بعض ایات ربک» (1) روزیکه می اید بعض نشانه های پروردگار تو، وایه ی 2.6 ازسوره ی البقره «هل ینظرون الا ان یأتیهم الله فی ظلل من الغمام والملائکة وقضی الامر الی الله ترجع الامور»

ایمانکرین انتظار می برند اینک بیاید خداوند ایشان را در سایه بانهای از ابرو و فرشتگان، و امر سپری گردد. (یعنی ایاکفار پس از مشاهده ی ایات الهی و دلائل بر صدق مدعی رسول انتظار امر محالی را که نزول ومجئ حق در سایه های از ابر باشد می برند بسوی خداست برگشت امور)

سوره ی نباء ایه ی 38 «یوم یقوم الروح والملائکة صفالا یتکلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا» روزیکه می ایستد روح (فرشته ی بزرگ) و فرشتگان صف زده گفتگونی کنند مگر کسی که خداوند او را اذن دهد و گفتار نیکو گوید.

سوره ی یونس ایه ی 26 «والله یدعوالی دارالسلام ویهدی من یشاء الی صراط مستقیم» و خداوند می خواند بسوی سرای سلامت، و راه می نماید هر کس را که بخواهد بسوی راه راست.

1- مؤلف خاتمیت ایه ی 159 سوره ی انعام را تحریف نموده و به این شرح آورده: «یوم یأتی ربک او یأتی بعض: الایه»

سوره ی انعام ایه ی 127 «لهم دارالسلام عند ربهم» از برای آنان نزد پروردگارشان سرای سلامت است. مؤلف پس از ذکر ایات مذکوره چنین نتیجه می گیرد که قرآن مجید بشارت به دو ظهور داده، یکی ظهور رب و دیگر نزول روح الله و عبارت مؤلف به این شرح است:

«از مطالب فوق چنین نتیجه می گیریم، قران مجید منتظر دوظهور جدید است که دران دوظهور مجئی رب و ظهور روح الله می باشند و نه حضرت بهاء الله و نه حضرت رب اعلی (مقصود علی محمد باب است) نبی نبودند، تا مغایرت و مخالفتی با خاتم النبیین داشته باشد، این بود طریقہ ی سادس.»

وجه استناد مؤلف خاتمیت به آیات مذکورہ کلمہ ی رب است کہ در سہ جاضمن ایہ آمدہ ومی گوید مقصود از کلمہ ی رب علی محمد باب است وایہ ی 2.6 از سورہ ی بقرہ «هل ينظرون الا ان يأتيهم الله في ظلل من الغمام... الاية»

وایہ ی سورہ ی نبأ «يوم يقوم الروح... الاية» بشارت بقیام من یظہر الله (میرزا حسینعلی است) ومدعی است کہ روح درایہ، مراد از مسیح است، و قیام بهاء الله همان رجعت مسیح است، و کلمہ ی دارالسلام کہ در آیات سورہ ی یونس و سورہ ی انعام ذکر شدہ مقصود شہر بغداد است کہ میرزا حسینعلی مدتی در آنجا اقامت داشتہ.

اگر نگارندہ مأخذ عرایض خود را در آنچه از رسالہ ی خاتمیت نگارش «روحی روشنی» نقل نمودم، ذکر نمی کردم، ممکن بود برای بعضی از خوانندگان کہ اشنائی کامل بہ شیوہ ی بهائیت کہ هموارہ تحقیقات علمی ومذہبی را بغرض الودہ می سازند ندارند، در صحت نقل بافتہ های بهائیت واستناد انہابہ این طایفہ تردید حاصل می شد، زیرا از نظر خردمندان کہ پای بند بہ اصول ومبانی ہستند، وھیچ گاہ تحقیقات علمی را با اغراض شخصی ہمراہ نمی سازند، اینہمہ تناقص گوئی ویاوہ سرائی وگفتار بلا دلیل از کسانی کہ خود را متحری حقیقت معرفی می کنند بر استی دشوار و غیر معقول است، و اگر نبود جز ہمین بیباکی وگستاخی انان در مطالب اعتقادی ودینی برای بطلان دعوی انان نیازی بہ بینہ وشاہد دیگر نبود، اینہمہ استدلالیہ برای اثبات امکان ظہور نبی بعد از اسلام نوشتہ اند، دلائل سبعہ (1) اختراع کردہ اند، بہ ہمین منظوریات وروایات رابا رأی خود تفسیر وتأویل وتحریف نمودہ، و برای اینکہ مقام نبوت بہ باب وبہاء دادہ باشند، مخالفت بانص کتاب قران کریم و ضرورت دین واجماع امت کردند، و با جہور مسلمین

طرف شدند، و اینکه آقای روحی روشنی نویسنده ی بهائی راهمه نادیده گرفته و حتی گفتار خود را در باب نبی و خاتم از یاد برده وزیر عنوان «روز خدا و رب» می گوید ادعای نبوتی در بین نیست و باب و بهاء هیچکدام نبی نبودند تا معارض خاتم النبیین باشند. بدیهی است ما هم تصدیق داریم که باب و بهاء هیچکدام نبی نبودند و همچنین در نظر ما و همه ی مسلمین روشن است که ادعای نبوت بهر صورتی باشد معارض خاتم النبیین خواهد بود، ولی چه کنیم که کتب امریه مشحون از استدلالات غلط برای اثبات مقام نبوت و شاریت جهت زعمای این بدعت جدید است.

### 1- تألیف علی محمد باب.

باری راجع به آیات مورد استناد مؤلف خاتمیت در این بخش اصولاً معنی و مفهومی که نام برده از آیات انتزاع نموده بهیچوجه محتمل نیست، و کله ی رب از اسماء حسنا ی پروردگار عالمیان است که ذات مقدس ربوبی خود را به این اسم یاد فرموده، و بر راستی فصاحت و رسوائی و گستاخی عظیم است که نویسنده ای قلم بدست بگیرد و برای هدف ننگینی اینچنین از جاده ی امانت و عفاف و تقوی منحرف گردد، و بدون دلیل و سندیات الهیه رابه مراد باطل خود تأویل و تفسیر نماید، و بگوید مقصود از رب در آیات مذکوره علی محمد باب شیرازی است، و دلیل او هم ان باشد که چون عدد کلمه ی رب (2.2) با عدد اسم علی محمد (2.2) مطابقت دارد، پس مقصود از رب باب شیرازی است، و انگهی ایه ی ششم از سوره ی مطففین و ایه ی 23 از سوره ی فجر و ایه ی 159 از سوره ی انعام و ایه ی 38 از سوره ی نبا، هر چهار ایه مربوط به روز معاد و بعث و حشر و روز پاداش و کیفر و یوم رستاخیز است، و مضامین آنها ربطی به ظهور نقطه ی اولی و یاقیام حسینعلی بهاء یا هر ظهور دیگر ندارد، و ما ترجمه ی هر چهار ایه را با چند ایه از قبل و بعد هر ایه در اینجایی آوریم تا رفع شبهه شده باشد. سوره ی مطففین:

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

«ویل للمطففين الذين اذا اکتالوا علی الناس یتوفون واذاکالوهم اووزنوهم یخسرون الا یظن اولئک انهم مبعوثون لیوم عظیم یوم یقوم الناس لرب العالمین» ترجمه: وای بحال کم فروشان، انانکه چون بکیل (یا وزن) چیزی از مردم بستانند تمام بستانند، و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم بدهند، یا گمان نمی برند اینان که برانگیخته شوند گانند برای روز بزرگ، روزی که بایستند مردم برای پروردگار عالیمان، باید در این ایات دقت کرد و انصاف داد، خداوند مردم کم فروش را تهدید می فرماید به روز بعث و حشر مردگان، که دران برای کم فروشان کیفر سخت و عذاب دردناک خواهد بود، و در دنباله ی ایات سابق الذکر جای بدکاران (من جمله کم فروشان) را جحیم دوزخ، و مقام نیکوکاران را بهشت جاوید معرفی می فرماید. ایاتنا سب دارد که خداوند بدکاران و از جمله کم فروشان را بقیام علی محمد باب و حسینعلی بهاء بترساند؟ و ای قیام این دونفر چه تأثیری در حال کم فروشان 12 قرن قبل از خودشان داشته است؟

سوره ی فجر ایه ی 21: «کلا اذا دکت الارض دکاد کا و جاء ربک وال ملک صفا صفا و جیی یومئذ یجهم یومئذ یتذکر الانسان وانی له الذکر یقول یالیتنی قدمت لعیاتی» ترجمه: «چنین نیست که نیاطلبان می پندارند که روز قیامت نیست، بلکه هست، روزیکه از زلزله ی پی در پی زمین بکلی خرد و متلاشی شود و انهن گام فرمان خدا برسد و فرشتگان صف در صف به عرصه ی محشر آیند و انروز جهنم را (پدید) بیاورند و همان روز آدمی متذکر کار خود گردد، و ان تذکر چه سود به حال او بخشد؟ و با (حسرت گوید) ایکاش درد دنیا برای زندگی ابد امروزم کار خیری انجام می دادم.

سوره ی نبأ ایه ی 31: «ان للمتقین مفازا حدائق واعنابا و کواعب اترابا و کاسادا هاقالا یسمعون فیها لغوا و لا کذابا جزاء من ربک عطاء حسابا رب السموات والارض و ما بینهما الرحمن لایملکون منه خطا یا یوم یقوم الروح و الملائکة صفا لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن و قال صوابا.»

ترجمه: «برای پرهیز گاران (در آخرت) جای کامیابی است، باغات و انگور ها و دختران نارپستان هم سن، و جامهای لبریز، دران سخن بیهوده و دروغ نشنوند، پاداشی از جانب پروردگارتو، بخششی کافی، پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست بخشاینده است مالک نباشند از جانب او خطاب را (مأذون بخطاب و تکلم نباشند) روزیکه بایستد روح (فرشته ی بزرگ) و فرشتگان صف زده سخن نگویند، مگر اینکه اذن داد خداوند او را بر اوستی و درستی سخن گفت.

ایه ی 159 از سوره ی انعام: «سنجزی الذین یصدفون عن ایاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون هل ینظرون الا ان تأتیهم الملائکة او یاتی ربک یوم یأتی بعض ایات ربک لاینفع نفسا ایمانها تکن امنة من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا قل انتظروا وانا منتظرون»

ترجمه: «بزودی جرمی دهیم آنان را که اعراض می کنند از ایتهای ما کیفر بدی به سبب اعراضشان، ایانتظار می برند مگر آنکه ایدایشان را فرشتگان، یا بیاید پروردگارتو، یا بیاید بعضی از ایتهای پروردگارت (مرگ یا عذاب الهی) روزیکه بیاید بعضی از ایتهای پروردگارت نفع نمی دهد ایمان آوردن نفسی را که از پیش ایمان نیاورده و یاد را ایمانش خیری کسب کرده باشد، بگو منتظر باشید درستی که ما منتظرانیم.»

همانطوریکه مضامین ایات مورد بحث حاکی است، ایات مذکوره توعیداتی است از ناحیه ی حق متعال بر ورستخیز یا مرگ و عذاب و بلاهای ناگهانی و در سایر سوره های قرانی از این قبیل ایات فراوان موجود است و ربطی به قیام علی محمد و یا ظهور بهاء الله به ادنا وجهی ندارد، و کلمه ی روح درایه ی شریفه ی «ویوم یقوم الروح» بنابه تصریح جمیع مفسرین نام فرشته ای از فرشتگان بزرگ است و مانند آن ایه سوره ی قدر است: «تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع

الفجر» ترجمه: «نازل می شود در آن (شب قدر) به اذن پروردگارشان و روح از هر امری سلام است آن شب تا دمیدن صبح» (در سراسر شب قدر فرشتگان به سلام دادن و درود فرستادن بر منزل علیه پیغمبر یا امام می پردازند. یا آنچه برای نیکان و عبادت کنندگان در این شب تقدیر می شود اما آن از عذاب و نیکی و خیر است) و بخوبی از سیاق عبارت آیات هر دو سوره (نبأ و قدر) معلوم می شود که روح از جنس فرشتگان است، زیرا علاوه بر آنکه ملائمه در سوره ی نبأ معطوف به روح در سوره ی قدر معطوف علیه روح واقع شده، و تناسب معطوف و معطوف علیه مقتضی سنخیت آن دو است. در سوره ی نبأ ضمن بیان حال پرهیزگاران و پادشاهای نیک آنها، پس از تشریح فرجام کار کفار و عذاب و عقاب سخت آنان در روز جزاء، یابه تعبیر همین سوره یوم الفصل یوم الحق بترسیم منظره ی رعب انگیز و وحشت آمیز چنین روزی پرداخته می فرماید: «یوم یقوم الروح والملائکة صفاً... الخ بطوری در این سوره ی مبارکه از دمیدن صور و شکافته شدن اجرام سماوی و حرکت و تلاشی کوهها و اماده شدن دوزخ برای سرکشان و توقف طولانی نهادران، و هم نعمتهای فراوان اهل تقوی سخن رانده که با هیچ تکلف و تحملی نمی توان آن را تأویل نمود، بویژه که با صراحت توضیح می دهد که آن شکنجه ها و سختیها و این خوشیها و نعمتها کیفر و پاداش اعمال گذشته بدان و نیکان بطور موافق و با حساب صحیح و کافی و دقیق می باشد، و نیز در سوره ی قدر عظمت این شب را بیان فرمود، که قرآن در آن نازل شده و بهتر از هزار ماه است و روح و ملائکه با درود فرستادن بر کسیکه بر او نازل می شوند، فرود می آیند و نمی توان با هیچ سریشمی آن را بانزول عیسی که در روایتی از آن گفتگو شده چسبانید و از این جهت، هیچیک از مفسرین عامه و خاصه...

نگفته اند که مراد از روح در این ایه مسیح است، تا ایه رابهایه بتوانند تأویل بر جعت مسیح نموده و سپس با تشبثاتی حسینعلی بهاء را همان مسیح موعود بدانند و معرفی نمایند، این تشبثات سرپا مسخره



ویاوه، تلاش احمقانه است که باهیچ قاعده ی علمی و عقلی تطبیق ندارد و سوء نیت و خیانت اینطایفه در این قبیل تحریفات و تأویلات نابجا کاملاً مشهود و محسوس است.

اینگونه تأویلات انسان را به یاد داستان جامی می اندازد: جامی به مردم محترمی بنام «حاجی خضر» توهین نموده دشنام بسیار زشتی به او می دهد، بیچاره به مراجع قانونی و مقامات صالحه شکایت می کند، جامی را احضار و از او بازخواست می نمایند، جامی که در حین دعوی از حال طبیعی خارج بوده و نمی دانسته چه می گوید و دشنامش را بخاطر ندارد می پرسد مگر من چه گفته ام؟ قاضی می گوید طبق شهادت مردمیکه سخنان شمارا شنیده اند به یان مردم محترم حاجی گفته اید (سگ حرامزاده) حاجی برای نجات خود شروع به مغالطه کاری نموده بتوجیه و تأویل می پردازد و چنین می گوید:

«من جز نام ایشان چیزی نگفته ام،» نام ایشان حاجی خضر است» «اری همین حاجی خضر باسگ حرامزاده یکی است، زیرا حاجی با چاچی یکسان نوشته می شود و چاچی کمان است، کمان و گمان در کتابت یکی هستند و گمان به معنی شک است و شک با حذف نقطه مساوی است باسگ و خضر یعنی سبزی که از جمله سبزیها تره و است، و تره بابره یکسان نوشته می شود و بربه بعربی حمل است، حمل به جمل یکجور نوشته می شود و جمل بمعنی اشتراست و اشتراست در کتابت همانند اشتراست، و اشتراست (قاطر) حرامزاده است، باین تأویلات عجیب حاجی خضر شد سگ حرامزاده، درست و بعینه همانطور که روح بزرگترین ملائکه ی ملائعالی شد «میرزا حسینعلی بهاء» پناه بر خدا.

## مهدی و عیسی

طریقه ی هفتم - مؤلف خاتمیت گوید طریقه ی هفتم در موضوع مانحن فیه، عین طریقه ی ششم است، و تفاوت اینست که انتظار مسلمین در طریقه ی ششم از قرآن نقل شده، و در طریقه ی هفتم بعض

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

اخبار و احادیثی که دال بر ظهور می باشد ذکر می شود، در احادیث ظهور اول بظهور مهدی و ظهور ثانی به قیام روح الله، معبر گشته و مسلمین چه شیعه و چه سنی در قبول ان متحدند و گوید: «حضرت رب اعلی (علی محمد باب) ظهور مهدی موعود بودند و جمال اقدس ابهی (بهاء الله) نزول عیسی و قیام روح الله» و سپس نامبرده سه حدیث از جلد سیزده ی «بحار» بعنوان شاهد و دلیل نقل نموده و چون احادیث مذکور هیچگونه دلالتی بر مقصدوی نداشته، وجه استدلال را از روایت نقل نکرده و اینکه احادیث:

1- جلد 13 بحار صفحه ی 18- قال «قال النبی لاتذهب الدنیاحتی یقوم رجل من ولدالحسین یملاها عدلا کما ملئت ظلما وجورا»

ترجمه: پیغمبر فرمود دنیا سپری نخواهد شد تا اینکه مردی از فرزندان حسین قیام کند و دنیا را پراز عدل فرماید، همچنانکه پراز ظلم و ستم شده باشد.

2- جلد 13 بحار صفحه ی 2- قال: «قال رسول الله لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یرجرج رجلا من اهل بیتی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما.»

ترجمه: اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی گرداند تا اینکه خارج شود مردی از اهل بیت و زمین را پراز عدل و داد نماید، همچنانکه پراز ظلم و جور شده باشد.

3- جلد 13 بحار صفحه ی 2- قال: «قال رسول الله والذی بعثنی بالحق نبیا لولم یبق من الدنیا الا لیوم واحد لاطال الله ذالک الیوم حتی یرجرج فیه ولدی المهدی (ع) فینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه و تشرق الارض بنور ربها و تبلغ سلطانه المشرق و المغرب»

ترجمه: سوگند به کسی که مرابه حق به پیغمبری برانگیخت، اگر باقی نماند از عمر جهان مگر یکروز، هر اینه خداوند آن روز را طولانی فرماید تا آنکه فرزندان مهدی خارج شود، پس فرود می آید روح الله عیسی بن

مریم، پس در عقب سراونمازی گذارد و روشن می گردد زمین بنور پروردگارش، و می رسد سلطنت او بمغرب و مشرق.

انچه از حدیث سابق الذکر مستفاد می گردد آنست که پیغمبر اکرم (ص) بعلم موهوبی الهی در زمان حیات خود امت را بظهور امام ثانی عشر و مهدی موعود که از نسل خود او و از فرزندان حسین بن علی (ع) باشد و شأن او بسط عدالت در سراسر زمین خواهد بود و سلطنت او در زمان حیاتش مشرق و مغرب را احاطه خواهد فرمود بشارت داده و خصوصیت دیگری در این روایات از نام و کنیه و سایر جهات مربوط به مهدی موعود ذکر نشده، و مضمون احادیث مذکوره مطلقاً عام است.

الحال این روایت بزعم نویسندۀ ی خاتمیت چگونه دلالتی بر قائمیت و مهدویت علی محمد باب شیرازی، و بر مظهریت میرزا حسینعلی نوری می تواند داشته باشد، و اینرانه مامی دانیم و نه خود او، و بلکه باتلاشی که مؤلف برای انتخاب روایات مورد نظر خود نموده سعی کرده است از ذکر روایاتی که حاکی از نشانه ها و خصوصیات مهدی است صرف نظر نموده، و احادیث مطلق و عام را برای احتراز از عدم تطبیق مضامین آنها با علی محمد باب بزعم خود بیاورد، معذک در روایات منقوله ی مذکوره در فوق دو خصوصیت برای مهدی (ع) و زمان ظهورش یادآوری شده که بکلی در مورد باب شیرازی مصداق نیافته، و حتی همین سه روایت مورد استناد بهائیه مبطل ادعای مهدویت باب شیرازی است. نکته ی اول اینکه در حدیث اول و دوم تصریح شده، و همچنین در اکثر روایات مربوط به مهدی (ع) که در کتب اخبار موجود و علمای عامه و خاصه به ان اعتراف دارند ذکر گردیده، شأن قائم ال محمدان است که در زمان ظهور جهان را سراسر پر از عدل و داد خواهد نمود، همچنانکه پیش از ان پراز ظلم و جور بوده است، و خصوصیت دوم اینکه سلطنت مهدی (ع) مشرق و مغرب را احاطه خواهد نمود، و مامی دانیم و تاریخ گواه است که علی محمد باب

شیرازی حتی در منطقه ی ظهورش نتوانست مفسد و مظالم را از بین ببرد و ترویج عدالت نماید و بلکه اقدامی هم در این زمینه از او مشهود نگردد و دید تا بر سده اینک جهان پهناور را متحول و متبدل نموده باشد، و بالعکس از زمان ظهور او به بعد کما فی السابق فساد و ظلم بر جهان بیش از پیش روبرو به زیادی نهاده و همچنان افزایش می یابد و راجع به بسط حکومت و سلطنت نیز علی محمد باب پیش از اینک مجال تصور خام ان را بنماید به انتقام الهی مدخود و به کیفر بدعت سازی و افساد مقتول و مصلوب گشت و به اعمالش سپرده شد و نه در جهان ملک سلطنت ظاهری تشکیل داد و نه در عاصمه ی قلوب و اراضی افئده ی مردم حکومت یافت و نفوذی در معدودی انگشت شمار از مردم سرگردان و حیران نیز مصداق سلطنت عامه و سیطره بر سراسر عالم نیست.

اری روایت دیگری در حدتواتر به مارسیده و در متون کتب حدیث موجود است که سایر علائم و نشانه ها و سمات مهدی (ع) را مبسوطا حاکی است و چون هیچکدام از ان علائم و آثار در باب شیرازی وجود نداشته لهذا مؤلف خاتمیت از نقل انها بکلی خودداری و تجاهل نموده و بسه روایت اکتفا کرده که انهم به شرح مذکور نه تنها بر مقصودی دلالت ندارد بلکه مخالف مدعی اوست.

خوانندگان محترم برای مراجعه ی بیشتر به روایات مربوطه به مهدی (ع) می توانند به کتاب «المهدی» تألیف «ایت الله سید صدرالدین» و کتاب «منتخب الاثر» تألیف «صافی گلپایگانی» نیز قلم و کتب «غیبت» و جلد سیزده ی «بحار» علامه ی مجلسی (ره) رجوع فرمایند و مادر این جاتیمنا چندان روایت نقل می کنیم:

**مهدی علیه السلام فرزند بلا فضل امام یازدهم**

**حضرت عسگری (ع) است.**

1- در «کافی» شریف از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام نقل است که فرمود پدرم به جابر بن عبدالله

انصاری فرمود من با تو حرف دارم، هر زمان وسعت وقت برای تو باشد تعین نما تا اورا ملاقات

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

کنم. جابر عرض کرد هر وقت که بخواهید... پدرم روزی با جابر خلوت فرمود و به او گفت ای جابر به من خبر بده از لوحی که در دست مادرم فاطمه دختر رسول خدا دیدی، و نیز آنچه را که مادرم در شرح آن لوح فرموده بیان کن. جابر عرض کرد خداوند گواه و آگاه است که من وارد خانه ی فاطمه شدم بمنظور عرض تهنیت بر ولادت حسین(ع) در دست آن حضرت لوح سبزی که گمان نمودم زمرداست مشاهده کردم، و در آن لوح نوشته ی سفیدی بود برنگ افتاب، پس عرض کردم پدرم مادرم به فدایت بادای دختر رسول خدا، این لوح چیست؟ فرمود این لوحی است که به هدیه فرستاده است او را خداوند تعالی بسوی رسول خودش، در این لوح است نام پدرم و اسم شوهرم و نام دو فرزندم و نامهای اوصیاء از اولاد من، بدانکه این لوح را پدرم به من عنایت فرموده تا اینکه مرا به ان بشارت دهد. جابر گوید آن لوح را گرفتم و خواندم و از آن استنساخ نمودم و حضرت باقر(ع) فرمودای جابر آن لوح را به من نشان ده. حضرت باقر(ع) به منزل جابر تشریف برده سپس فرمودای جابر تونسخه ی خود را در دست بگیر، من می خوانم تو ملاحظه نما که من مطابق نسخه می خوانم، و خوب مطلعم، و حضرت صادق فرمایند پدرم شروع فرمود به خواندن، پس مخالف واقع نشد حرفی به حرفی. اینک لوح:

بسم الله الرحمن الرحيم

«هذا كتاب من الله العزيز الحكيم لمحمد نبيه ونوره وسفيره وحجابه ودليله نزل به روح الامين من عند رب العالمين عظم يا محمد اسمائى واشكر الاتى ولا تجحد نعمائى انى ان الله لاله الا ناقصم الجبارين ومديل المظلومين وديان الدين لاله الا ناقصم رجاء غير فضلى او خاف غير عدلى عذبتة عذابا لا عذبه احد من العالمين فاي اى فاعبد و على فتوكل انى لم ابعث نبيا كملت ايامه وانقضت نبوته الاجعلت له وصيا و انى فضلتك على الانبياء و فضلت وصيك على الاوصياء و اكرمتك بشبليک و سبطيك حسن و حسين و جعلت حسنا معدن عملى بعد انقضاء مدت ابيه و جعلت حسينا خازن و حياى و اكرمته بالشهادة و تحت له بالسعادة فهو افضل من اس شهد و ارفع الشهداء درجته جعلت كلمتى

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

التامة معه وحجتى البالغة عنده بعترته ائيب واعاقب واولهم على سيدالعابدين وزين اوليائى الماضين وابنه شبه جده المحمود محمد الباقر علمى والمعدن لحكمتى سيهلك المرتابون فى جعفر الراد عليه كالراد على القول منى لاکرم من مثنوى جعفر ولاسرته فى اشياعه وانصاره واولياء اتاحت بعده بموسى فتنه حندس لان خيظ فرضى لاينقطع وحجتى لا يخفى وان اوليائى يسقون الكأس الاوفى ومن جحدوا احدانهم فقد جحد نعمتى ومن غير ايه من كتاب فقد افترى على ويل للمفتريين الجاحدين عند انقضاء مدت موسى عبدى وحبيبى وخيرتى فى خلقى على ولىى وناصرى ومن اضع عليه اعباء النبوة وامتحنه بالاضطلاع بها يقتله عفریت مستكبر يدفن فى المدينة التى بناها العبد الصالح الى جنب شر خلقى حق القول منى لاسرته بمحمد ابنه وخليفته من بعده ووارث علمه فهو معدن علمى وموضع سرى وحجتى على خلقى لاي/ومن عبدته الاجعلت الجنة مثواه وشفعته فى سبعين من اهل بيته كلهم قد استوجبوا النار واختم له بالسعادة لابنه على ولىى وناصرى والشاهد فى خلقى وامينى على وحيى اخرج منه الداعى الى سبيلى والخازن لعلمى الحسن (عليه السلام) واكمل ذلك بابنه م ح م در حمة للعالمين عليه كمال موسى وبهاء عيسى وصبرايوب فيذل اوليائى فى زمانه تتهادى رؤوسهم كمتتهادى رؤس الترك والديلم فيقتلون ويحرقون ويكفون خائفين مرعوبين وجلين تصبغ الارض بدمائهم ويفشوا الويل والرنة فى نساءهم اولئك اوليائى حقابهم ارفع كل فتنه عمياء حندس وبهم اكشف الزلازل وارفع الاصار والاعلال اولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة واولئك هم المهتدون»

## ترجمه

### بنام خداوند بخشنده ی بخشایشگر

این (لوح) نوشته ای است از جانب خداوند توانانى درستکار برای محمد (ص) پیغمبر او و نور واسطه و حجاب و دلیل به سوى او، این نوشته را «روح الامین» از نزدیکان و درگاران نازل نموده، ای محمد (ص) بزرگ شمار نامه‌های مرا، و سپاس گذار نعمتهای مرا، و انهارا انکار منما، بدرستی که منم خداوند و معبودی جز من نیست، منم درهم شکننده ی ستمگران و باور ستم دیدگان و یاداش، دهنده ی روز جزا، نیست معبودی به جز من، هر کس

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

بغير فضل من امیدوار و از غير عدل من هراسناک باشد، اورا کيفرى رسانم که احدى از جهانيان را ان گونه کيفر ننموده باشم، پس تنهام را پرستش نما، و بر من توکل کن، من مبعوث نکردم پیغمبرى را جز اینکه پس از سپرى شدن زندگانش و انقضائ نبوتش برای او جانشينى قرار دادم، و ترافضيلت دادم بر پیغمبران، و برترى دادم وصى تو را بر اوصياء، و گرامى داشتم تو را به دو فرزند و دو شیربچه ات حسن و حسين، و حسن را پس از سپرى شدن ايام پدرش کان علم خود قرار دادم، و حسين را نگاهبان وحى خود نمودم، و او را به شهادت گرامى داشتم و سعادت را بر او حتم فرمودم، و او برترين شهداء و درجه اش برتر از درجه ی ساير شهيدان باشد، کلمه ی تامه خود (ولایت) را نزد او قرار دادم، و حجت رسای من با او ست، بعترت او پاداش می دهم و کيفرى کنم، (يعنى بسبب عترت او) اول آنها بزرگ و اقای عبادت کنندگان و زينت دوستان گذشته ام، و فرزند او همانند جدش پیغمبر (ص) محمد الباقر (شکافنده ی) علم من و مرکز حکمت من، بزودى هلاک گردند شک کنندگان درباره ی جعفر، ردکننده ی براو مانند ردکننده ی برماست، گفتار درست از من است، هراينه گرايم می دارم جایگاه جعفر را، و وى را مسرومى سازم بدوستان و يارانش، مقدر گردیده بعد از او وصايت به موسى در حالیکه زمان او تاریک و ظلمانى است، زیرا رشته ی فرض من گسيخته نمى گردد، و حجت من پنهان نمى ماند، بدرستیکه دوستان من سیراب مى گردند بجام لبریز و سرشار، هر کس يکى از آنان را انکار نماید هراينه نعمت مرا انکار کرده، و هر کس ايه ای از کتاب من تغيير دهد به تحقيق بر من دروغ بسته، وای بر دروغ زندگان و منکرين، هنگام سپرى شدن زمان موسى بنده ی من و دوست من و بر گزیده ی من در خلم و ياور من و کسیکه می گذارم بر عهده ی او مشقت و رنج پیغمبرى را، و به اين سبب او را زمایش می نمايم، می کشد او را عفریت سرکش (مأمون) و مدفون می شود در شهری که انرا بنده ی صالح در مجاورت بدترین خلم بناموده، گفتار حق از من است، هراينه

مسروومی سازم(علی بن موسی را)بفرزندش محمدوجانشین اووارث علم او،پس اومعدن علم من وجای سرمن وحجت من برخلائق است،ایمان نمی اورده او بنده ای،مگراینکه شفاعت اورادرباره ی هفتادنفر ازاهل بیتش که همگش انها سازواراتش باشندمی پذیرم،وتمام می کنم سعادت رابرای اودرباره ی فرزندش علی،دوست ویاورمن وگواه درمیان بندگانم وامین بروحم،وخارج می سازم از اوخواننده ی(مردم را)بسوی راه من،واوست معدن علم من حسن(ع)وکامل میگردانم این امر رابه فرزندش م ح م د که رحمت است بر عالمیان را،بر اوست کمال موسی وبهاء عیسی وصبر ایوب(الی اخر حدیث)

## مهدی موعود در حال حیات غیبت دارد

### ومردم اورامی بیند و نمی شناسند

2-در جلد 13 «بحار» صفحه ی 142 از غیبت نعمانی: «مسنداعن سدیدالصیرفی قال سمعت ابا عبد الله(ع) یقول ان فی صاحب هذا الامر لشبه من یوسف فقلت فکانک تخبرنا بغیبة او حیرة فقال(ع) ما ینکر هذا الخلق الملعون اشباه الخنازیر من ذلک ان اخوة یوسف کانوا عقلا والباء اسباطا اولاد انبیاء دخلوا علیه فکلموه وخطبوه وتاجروه وراودوه وکانوا اخوته وهو اخوهم لم یر فواحتی عرفهم نفسه وقال لهم انایوسف ف عرفوه ح فماتنکر هذه الامة المتحیرة ان یرکون الله جل وعزیرید فی وقت ان یرستتر حجتهم عنهم لقد کان یوسف الیه ملک مصر وکان بینه و بین ابیه مسیره ثمانیه عشر یوما فلواراد ان یرعلمه مکانه لقد ر علی ذلک فماتنکر هذه الامة ان یرکون الله یرفعل بحجته ما فعل بیوسف ان یرکون صاحبکم المظلوم المجحد حقه صاحب هد=ذالامر یرتدد بینهم ویرمشی فی اسواقهم ویرطافرشهم ولا یرفونه حتی یأذن الله له ان یرفهم نفسه کما اذن لیوسف حتی قال له اخوته انک لانت یوسف قال انایوسف.»

### ترجمه:

از «سدیدصیرفی» نقل است که گفت شنیدم امام جعفر صادق(ع) می فرمود بد رستی که در صاحب این امر از یوسف شباهتی است، پس عرض کردم گویا ما را از غیبت باحیرتی خبر می دهید؟ فرمود چرا این مردم دور از رحمت حق و همانند خنزیر این امر را انکار می کنند؟! !!

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!



بدرستی که برادران یوسف از عقلا و صاحبان فهم و خویشان و اولاد انبیاء بودند و بر یوسف وارد شدند با او مکالمه و مخاطبه و خرید و فروش و رد و بدل نمودند، و آنها برادران یوسف بودند و یوسف برادران بود، با این حال او را شناختند تا اینکه خود را به ایشان معرفی نمود و گفت منم یوسف، و در آن هنگام او را شناختند، پس این امت سرگردان چه چیز را انکاری می کنند از اینکه خداوند عز و جل اراده فرماید در وقتی که حجت خود را از آنان پنهان کند، هر اینه ملک مصر با یوسف بود و بین او و پدرش هیجده روز راه بود و اگر می خواست مکالمه را به پدرش اعلام کند هر اینه قدرت داشت، پس چرا این امت انکاری می کنند که خداوند در باره ی حجت خود بجا آورد آنچه را که در باره ی یوسف بجا آورد به اینکه صاحب مظلوم شما، آنکه حق او انکار شده، صاحب این امر بین مردم رفت و آمد نماید و در بازاران راه رود و بر فراش ایشان قدم گذارد، با این حال او را شناختند تا اینکه خداوند اذن دهد که خود را به آنها معرفی نماید، همانطوریکه به یوسف اذن داد تا اینکه برادرانش به او گفتند آیا تو یوسفی؟ فرمود آری من یوسفم.

### مهدی موعود نهمین فرزند حسین بن علی است

### و پس از ولادت، غیبت طولانی دارد

3- در صحیفه ی «محجه» تألیف سید هاشم بحرانی صاحب «غایة المرام» ص 753: «عن ابن بابویه مسنداعن عمار قال كنت مع رسول الله (ص) في بعض غزواته (الي ان قال) فقلت له يا رسول الله ان عليا قد جاهد في الله حق جهاده فقال لانه مني وانامنه وانه وارثه علمي وقاضي ديني ومنجز وعدي والخليفة من بعدي ولولاه لم يعرف المؤمن المحض بعى حربه حربى وسلمه سلمى وسلمى سلم الله الا انه ابوسبى والائمة من صلبى يخرج الله تعالى الائمة الراشدين ومنهم مهدى هذه الائمة فقلت بابى وامى يا رسول الله من هذا المهدى قال يا عماران الله تبارك وتعالى عهدالى انه يخرج من صلب الحسين ائمة تسعة والتاسع من ولده يغيب عنهم وذلك قوله عز وجل قل ارايتم ان اصبح ماوكم غورا فمن يديكم بماء معين يكون له غيبة طويلة يرجع عنها قوم ويثبت عليها آخرون فاذا كان في اخر الزمان يخرج فيملا الدنيا قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما الخبر»

## ترجمه:

عمار یاسر گفت در رکاب حضرت رسول در بعضی غزوات بودم (تا اینکه گفت) عرض کردم ای رسول خدا بدرستی که علی (ع) حقادر راه خدا حق جهاد را داد نمود، فرموداری، زیرا او از منست و من از او و او وارث علم من و اداکننده ی دین من، و وفاکننده ی وعده ی من، و خلیفه ی بعد از من است، و چنانچه او نبود پس از من مومن خالص شناخته نمی شد، جنگ با او جنگ با من، و صلح با او صلح با من، و صلح با من صلح با خداست، او پدر فرزندانم و ابوالا ئمه است، خدایتعالی از صلب او ائمه ی راشدین را خارج می گرداند، و مهدی این امت از ایشان می باشد. (عمار گوید) عرض کردم پدر و مادرم قربانت ای رسول خدا، این مهدی کیست؟ فرمود ای عمار بدرستی که خداوند تبارک و تعالی عهد فرمود اینک از صلب حسین نه امام را خارج فرماید و نهمین از فرزندان او از مردم غایب می گردد و همان است معنی قول خداوند عزوجل «قل ارا ایتم...» و او راست غیبتی طولانی که قومی از او بر گردند و قوم دیگر بر او ثابت بمانند، چون آخر الزمان شود خروج نماید، و دنیا را پر از عدل و داد کند همچنانکه ارجو و ظلم پر شده باشد.

4- در کتاب «غایة المرآة» صفحه ی 31 از ابن بابویه مؤسسنداعن عبدالله بن الحسین عن ابيه عن الحسن (ع): «قال خطب رسول الله يوم اقال بعد ما حمد الله واثني عليه معاشر الناس كاني ادعى فاجيب واني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي اهل بيته ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا فاعلموا منهم ولا تعلموهم فانهم اعلم منكم لا تخلوا الارض منهم ولو خلت لساخت باهلها ثم قال (ع) اني اعلم ان العلم لا يبىد ولا ينقطع وانك لا تخلى الارض من حجة لك على خلقك ظاهر ليس بالمطاع عددا الاعظمون قدر عند الله فلما نزل عن منبره قلت له يا رسول الله امانت الحجة على الخلق كلمهم قال يا حسن ان الله يقول امانت منذر ولكل قوم هاد فانا المنذر وعلى الهادي قلت يا رسول الله قولك ان الارض لا تخلو من حجة قال نعم على هو الامام والحجة بعدى وانت الامام والحجة بعده والحسين الامام والحجة والخليفة بعدك ولقد يتأتى اللطيف الخبير ان يخرج من صلب الحسين ولدي قال له على سمى جده على

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!



رسول خدا(ص) از منبر فرود آمد عرض کردم ایاتو حجت بر تمام مردم نیستی؟ فرمود ای حسن بدرستی که خداوند می فرماید: «جز این نیست که تو(ای محمد) ترساننده ای و برای هر گروه راهنمایی است. پس منم ترساننده ی مردم(از عذاب الهی) و علی راهنمای ایشان است» امام حسن(ع) می فرماید عرض کردم ای رسول خدا قول شما که زمین از حجت خالی نخواهد ماند، شرحش چیست؟ فرمود بلی علی امام و حجت است بعد از من، و تو ای حسن امام و حجتی بعد از او، و حسین امام و حجت و جانشین است پس از تو، و هر اینه اراده فرماید خدای لطیف خبیر که خارج شود از صلب حسین(ع) فرزندی که می خوانند او را بنام جدش علی، پس چون حسین در گذرد بعد از او فرزندش علی قائم شود و او امام و حجت است، و نیز خداوند در او را از صلب علی فرزندی را که هم نام من و شبیه ترین مردم ایت بمن، علم او علم من و حکم او حکم من است، و او پس از پدرش امام و حجت است و خدایتعالی خارج می گرداند از صلب محمد پسری را که نام او جعفر و او راستگو ترین مردم است در گفتار و کردار، و او بعد از پدرش امام و حجت است، و نیز خداوند متعال خارج می کند از صلب جعفر مولودی را که نامش موسی هم نام موسی بن عمران است، در عبادت کوشاترین مردم است و او پس از پدرش امام و حجت خداست بر مردم، و خدا خارج می گرداند از صلب موسی فرزندی را که نام او علی است، او معدن علم خدا و محل حکمت اوست، پس او بعد از پدرش امام و حجت است و خدا خارج می کند از صلب او پسری را که نام او محمد فیس او بعد از پدرش امام و حجت است، و نیز خارج می فرماید از صلب محمد فرزندی را که نام او علی است و او بعد از پدرش امام و حجت است و خارج می کند از صلب علی مولودی را که نام او حسن است، پس او بعد از پدرش امام و حجت است و خارج می گرداند از صلب حسن حجت قائم(ع) را که امام شیعیان خود و نجات بخش دوستان خود است، انحضرت غیب شود از نظر مردم تا اینکه او را نبینند. الحدیث.

## قائم کسی است کہ بہ دست اومشرق و مغرب جهان فتح شود

5- در کتاب «فی غایہ المرام» صفحہ 7.6 عن ابن بابویہ «مسنداعن جابر بن یزید الجعفی قال سمعت جابر بن عبد اللہ الانصاری یقول لما نزل اللہ جل وعز علی نبیہ محمد (ص) یا ایہا الذین امنوا اطیعوا اللہ واطیعوا الرسول واولی الامر منکم قلت یرسول اللہ عرفنا اللہ ورسولہ فمن اولو الامر الذین قرن اللہ طاعتہم بطاعتک؟ قال (ص) ہم خلفائی یاجابر وائمة المسلمین من بعدی اولہم علی بن ابیطالب ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوراة بالباقر ستدرکہ یاجابر فاذا القیتہ فاقراء منی السلام ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمیی وکنیی حجۃ اللہ فی ارضہ وبقیتہ فی عبادہ ابن الحسن بن علی ذاک الذی یفتح اللہ تعالی ذکرہ علی یدہ مشارق الارض و مغاربہا ذاک الذی یغیب عن شیعته و اولیاء غیبہ لایثبت علیہا القول بامامت الامن امتحن اللہ قلبہ للایمان الخبر.»

## ترجمہ:

در کتاب مذکور صفحہ 7.6 از ابن بابویہ مسند از جابر بن عبد اللہ انصاری روایت کند کہ می گوید چون خدای عزوجل ایہ ی مبارکہ ی «یا ایہا الذین امنوا اطیعوا اللہ واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» را بر نبی خود نازل فرمود عرض کردم، یرسول اللہ ما خدا ورسول خدا را شناخته ایم، پس بیان فرما اولو الامر یکہ خدای تعالی اطاعت ایشان را بہ طاعت خود مقرون گردانیدہ است کیانند؟ فرمود ای جابر انان خلفای من و بعد از من امامان مسلمانانند، اول ایشان علی بن ابیطالب (ع) است و بعد از او حسن و پس از او حسین و بعد از علی بن حسین و بعد از او محمد بن علی کہ معروف است در تورات بہ باقر، ای جابر زود است کہ بخدمتش برسی و چون اورا ملاقات کنی از من بہ او سلام برسان و بعد از او صادق جعفر بن

محمد، وبعدازاوموسی بن جعفر، وبعدازاوعلی بن موسی، وبعدازاومحمد بن علی وبعدازاوعلی بن محمد وبعدازاوحسن بن علی وبعدازاوهم نام وهم کنیه ی من حجت خدادرزمین وبقیه الله درمیان بندگان فرزندحسن بن علی (عسگری) می باشد. اوست انکه خدایتعالی بدست او مشارق و مغارب زمین را خواهد گشود و او کسی است که غایب می شود از شیعیان و دوستان خود به غیبتی طولانی بر اعتقاد به امامت او باقی نمی ماند، مگر کسی که خدایتعالی قلب او را محک ایمان از مایش کرده باشد.

6- و باز در همان کتاب صفحه ی 6. از ابن بابویه، مسند از سهل بن سعد انصاری روایتی نقل کند که گوید از فاطمه (ع) دختر رسول خدادر باره ی امامان پرسش نمودم و ان حضرت از قول رسول خدانام یکایک ائمه را ذکر فرمود (راوی عینانام ائمه را در حدیث ذکر نموده) (تا اینکه پس از ذکر نام حضرت علی الهادی، راوی گوید از قول حضرت فاطمه)

«فاذامضی علی الهادی فابنه الحسن اولی بالمؤمنین من انفسهم فاذا مضی الحسن فابنه القائم المهدی اولی بالمؤمنین من انفسهم یفتح الله به مشارق الارض و مغاربها پس چون علی بن محمد (الهادی) در گذرد فرزند او حسن (عسگری) اولی به مؤمنین است از خودشان و چون در گذرد فرزندش قائم مهدی اولی به مؤمنین از خودشان باشد می گشاید خداوند بوسیله ی او شرق و غرب جهان را.»

## ولادت مهدی در ماه شعبان لیله جمعه در شهر ساحلی

### دجله پیش گوئی و تعیین شده

7- در جلد 13 «بحار الانوار» صفحه ی 2.1 در حدیثی مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل نماید که مفضل گوید خطاب به امام (ع) «یاسیدی ولایری وقت ولادته قال (ع) بلی والله لیری من ساعة ولادته الی ساعة وفات ابیه سنتین و تسعة (1) اشهر اول ولادته وقت الفجر من لیله الجمعة لثمان خلون من شعبان سنة سبع و خمسين

ومأتين الى يوم الجمعة لثمان خلون من ربيع الاول من سنة ستين ومأتين وهو يوم وفاء أبيه بالمدينة التي بشاطي  
دجله الخبر»

### ترجمه:

ای اقای من (ایا) دیده نمی شود (مهدی) در وقت ولادتش، امام (ع) فرموداری سوگند بخداوند هراینه دیده می  
شود از ساعت ولادت تا ساعت وفات پدرش 2 سال و 9 ماه، اول ساعت ولادت او سپیده دم شب جمعه از ماه  
شعبان سنه ی 257 (که از ان هنگام دیده می شود و ظاهر است تا) روز جمعه از اول ماه ربيع الاول سنه  
ی 26. که روز گذشت پدر بزرگوارش در شهر ساحلی دجله (سامری) می باشد.  
بطوریکه مذکور شد جملات سابق الذکر قسمتی از حدیث مفصلی است از مفضل بن عمرو و ما قسمت بیشتری  
از این حدیث را در صفحات قبل نقل نمودیم.

1- ظاهر اسبعه صحیح است.

### **قائم پس از قیام جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود.**

8- در اکثر روایاتی که از ناحیه ی پیشوایان بر حق دین درباره ی علائم و نشانه های مهدی  
موعود و خصوصیات مربوطه بظهور ان مظهر الهی به مارسیده، این خصوصیت که مهدی موعود (ع) جهان  
را پر از عدل و داد خواهد فرمود از شئون مهمه ی ان حضرت بشمار آمده و کمتر حدیث و خبری است که  
درباره ی قائم منتظر نقل شود و در ان از این خصوصیت ذکری بمیان نیامده باشد من جمله:  
در جلد 13 «بحار الانوار» صفحه ی 183 «عن سعید بن جبیر مسند اعن الریان بن الصلت قال قلت للرضا (ع) انت  
صاحب هذا الامر فقال ان صاحب هذا الامر ولكني لست بالذي املاها عدلا كما ملئت جورا وكيف اكون ذاك علي  
ماترى من ضعف بدني وان القائم هو الذي اذا خرج كان في سن الشيوخ ومنظر الشباب قويافي بدنه حتى

لومديده الى اعظم شجرة على وجه الارض لقلعها ولوصاح بين الجبال لتدكدت صخورها يكون معه عصاموسى وخاتم سليمان ذلك الرابع من ولدى يغيبه الله فى سره ماشاءالله ثم يظهره فيملا به الارض قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما»

### ترجمه:

«ريان بن صلت» روایت کند که گفت خدمت حضرت (رضا) عرض کردم ای صاحب این امر توئی؟ فرمود من صاحب این امرم، ولی من نیستم ان کسی که زمین را از عدل پر کند، همچنانکه از جور پر شده باشد، و با این ضعف بدن که در من مشاهده می کنی چگونه او باشم؟ در صورتیکه قائم کسی است که چون خروج نماید در سن پیران و منظر جوانان باشد، و چنان در بدن قوی باشد که اگر دست خود را بسوی عظیم ترین درخت روی زمین دراز کند هر اینه ان را از ریشه بر کند و چنانچه بین کوهها صیحه کشد هر اینه تخته سنگهای ان را بشکافد و با او عصای موسی وانگشتر سلیمان می باشد و او چهارمین از فرزندان من است، خداوند او را در پرده غیبت ان مقدار که بخواهد پنهان بدارد، سپس او را ظاهر فرماید، پس به سبب او زمین را از عدل و داد پر کند، همانطوریکه از جور و ظلم پر شده باشد.

9- در جلد 13 «بحار الانوار» عن اکمال الدین مسنداعن الصقر بن دلف (ابی دلف ظ) قال سمعت علی بن محمد علی الرضا (ع) یقول الامام بعدی الحسن وبعده الحسن ابنه القائم الذی یملا الارض قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما،

### ترجمه:

از اکمال الدین در جلد 13 «بحار الانوار» روایت از «صقر بن دلف» نقل است که گفت شنیدم علی بن محمد الهادی می فرمود امام بعد از من حسن است و بعد از حسن فرزندش قائم خواهد بود، کسی که زمین را از عدل و داد پر می کند، همانطوریکه از جور و ظلم پر شده باشد.

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!



10- جلد 13 «بحار الانوار» از کتاب اکمال الدین صدوق (ره) مسنداعن احمد بن اسحق قال سمعت ابامحمد الحسن بن علی العسگری (ع) يقول الحمد لله الذي لم يخرجني من الدنيا حتى اراني الخلف من بعدى اشبه الناس برسول الله (ص) خلقا وخلقيا يحفظه الله تبارك وتعالى في غيبته ثم يظهره فيملا الارض عدلا وقسطا كما ملئت جورا وظلما.»

### ترجمه:

احمد بن اسحق گفت شنیده جانشین مرابه من نمایانند کسیکه شبیه ترین مردم استم که امام حسن عسگری می فرمود و سپاس خدائی را سزا است که مرا از دنیا خارج نفرمود تا اینکه جانشین مرابه من نمایانند کسیکه شبیه ترین مردم است از حیث افرینش و خوی به رسول خدا. خداوند متعال او را در غیبتش حفظ می فرماید و سپاس او را ظاهر می گرداند پس زمین را از عدل و داد پر می کند همچنانکه از جور و ظلم پر شده باشد.

11- در کتاب «تبصرة الولی» صفحه ی 764 «عن اب بابویه مسنداعن ابی غانم الخادم قال ولد لایم محمد علیه السلام مولود فسماه محمد افرضه علی اصحابه یوم الثالث وقال هذا صاحبکم من بعدی و خلیفتی علیکم وهو القائم الذی تمتد علیه الاعناق بالانتظار فاذا امتلات الارض جورا وظلما خرج فملاها قسطا و عدلا»

### ترجمه:

از ابن بابویه مسند از ابی غانم خادم روایت کند که گفت برای ابی محمد العسگری علیه السلام فرزندى متولد شد پس او را (م ح م د) نامید و در روز سوم او را به اصحاب خود عرضه داشت و فرمود اینست صاحب شما بعد از من، و خلیفه ی من بر شما و اوقاتی است که به انتظار او گردنهای کشیده شود، پس چون زمین پر از جور و ظلم شود خروج کرده و انرا از عدل و داد پر نماید.



نقل دوازده حدیث از احادیث اهل بیت عصمت به عنوان نمونه ی بسیار اندک از روایات منقوله در پیرامون امتیازات و مختصات حضرت قائم (ع) برای افاده ی مراد در این مختصر کفایت می کند، و با مراجعه به این روایات و دیگر احادیث که فراوان در متون کتب حدیث موجود است بلاشکال استفاده می کنیم که برای مهدی موعود و زمان ظهور او خصوصیات است که ان بزرگوار به ان خصوصیات امتیاز یافته، و برای هدایت امت، انجتهات ممتازه در ضمن اقوال اوصیای رسول و حامیان قران اظهار و افشاء گردیده، تاحجت تمام گردد و هدایت کامل شود، و از خلق بر خداوند حجتی نباشد و وضمن راه فریب براهل ان مسدود گردد، و متمهدی هاشناخته شوند، و باطل در لباس حق پدیدار نیاید، خوانندگان گرامی خوب توجه دارند که از احادیث دوازده ی گانه ی سابق الذکر استنباط می گردد که مهدی موعود ممتاز و مشخص می گردد به اموری از جمله:

- 1- فرزند بلا فصل حضرت عسگری امام یازدهم است.
- 2- پیش از وفات پدر بزرگوارش در قرن سوم اسلام در ماه شعبان در سنه ی معین ولادت یافته و پدرش وی را بکسان و نزدیکان و اصحاب خود ارائه فرموده.
- 3- غیبت طولانی.
- 4- طول عمر (غیر متعارف)
- 5- نهمین فرزند حضرت امام حسین علیه السلام است.
- 6- فتح شرق و غرب کره ی زمین بدست مهدی (ع).
- 7- ازاله و محو مظالم و ردائیل از سراسر زمین و گسترش عدل و داد بجای ان در زمان حیات مهدی (ع).
- 8- بسط تعالیم قران و سنت رسول اسلام و اجرای حدود شریعت در سراسر عالم.

وبالضروری دانیم هیچیک از این امور در شخص علی محمد باب شیرازی و در ظهور او مطلقاً وجود نداشته و خود او نیز ادعای چنین اموری را ننموده است، و بنابراین تصریحات، مانا چاریم نامبرده را مدعی کاذب و مفتتری علی الله و طریقه ی او را بدعت و پیروانش را در گمراهی بدانیم، و برای مزید اطلاع خوانندگان عزیز در خاتمه ی این فصل یادآور می شویم گرچه برای مهدی موعود (ع) امتیازات دیگری در احادیث مرویه نقل گردیده که در جای خود مسلم و قطعی است، ولیکن برای مقصود ما در اثبات حق همین مقادریان جهات ممتازه ی ان حضرت کافی بود و در تتمیم این مبحث احصائیه ی احادیث وارده در بعضی خصوصیات حضرت قائم (ع) بدون دعوی استقصاء ذکر می گردد:

الف- روایاتی که اورانهمین فرزند حسین بن علی معرفی نموده 148 حدیث.

ب- روایاتی که وی را فرزند حضرت عسگری (ع) معرفی کرده 146 حدیث.

ج- روایاتی که می گوید مهدی (ع) جهان را پر عدل و داد فرماید 123 حدیث.

د- روایات درباره ی طول غیبت 91 حدیث.

ه- روایات در طول عمر مهدی (ع) 318 حدیث.

و- روایاتی که تصریح دارد دین اسلام بوسیله ی او عالمگیر شود 47 حدیث.

ز- روایات در ولادت مهدی (ع) 214 حدیث (1)

و همچنین احادیث کثیره و بیشمار در سایر جهات مربوط به مهدی (ع) موجود می باشد که از بحث ما خارج است، حال متحریران حقیقت انصاف دهند با اینهمه اقوال معتبره که جای هیچ شک و تردید باقی نمی گذارد چگونه پیروان بهاء خود را قانع می سازند به اینکه همه ی این بشارات و علائم و آثار را که ضمن روایات بدون ابهام وارد شده ندیده و نشنیده بگیرند، و گفتار معصومین را پشت سر اندازند و به ادعای پوچ

وبلا دلیل باب و بهاء اعتبار دهند، افسوس که اصرار در طریق باطل و انس بتلقینات سوء چشم بصیرت را نایب ساخته، و حجاب تعصب چهره تا بناک مقصود را محجوب نموده، همتی باید تا به استمداد و استعانت ارحق متعال به حقیقت اقبال نمایند، و از باطل و راه ناصواب روگردان شوند، و به شریعه ی صافی و زلال عیش مؤبد وارد گردند.

و نیز اندکی با خود بیندیشند که از میان این همه حدیث و روایت در خصوص مهدی و حتی کتابهایی که مخصوص ان بزرگوار تألیف یافته کلماتی و جملاتی و احادیثی انتخاب نمودن و به آنها استناد کردن و بقیه را مسکوت گذاشتن و حتی از یک حدیث چند جمله گرفتن و باقی را حذف کردن، آیا با عمل یک طالب حق و حقیقت تطبیق می نماید؟ و جز شیادی و فریبکاری و حقه بازی و اغفال مردم بی اطلاع و ساده لوح نامی می توان بران گذاشت؟ و آیا کدام ادعائی رانمی شود با این روش اثبات نمود. مثلاً ما می دانیم که در قران کریم «فرعون» و «قارون» که نمونه ی جاه طلبی و مال دوستی و ظلم و لغیان و فساد و عصیان و تمرد از حق و عناد بادین پیغمبر معرفی شده اند و از رفتار و اعمال و عقاید و افکارشان در این کتاب کریم مذمت و تقبیح شده و در مقابل از صلح و اختیار از انبیاء و رسل تمجید و تحسین به عمل آمده است، حال اگر مغرضی قران را برابر خود بگذارد و نام این دو فرد خبیث و پلید و کافر (فرعون و قارون) را از ایات مربوط به آنها بردارد، سپس ایاتی را که در حق نیکان و پیامبران است پس از آن دو نام بیاورد، مثلاً قبل از این ایات انهم امن عبادنا المخلصین و قالوا الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین و امثال آنها، آیا نتیجه ی این تلفیق و تحریف چنین نخواهد بود که فرعون و قارون دو بنده ی برگزیده ی خدا و دو پیامبر بزرگ الهی هستند؟ و آیا چنین عملی صحیح است، و اینگونه استدلال و استشهادهای توانمند مثبت عوائی باشد؟ لا والله، اگر روایات مربوط بولی عصر را باید پذیرفت، همه اش را که از لحاظ سند معتبر است باید پذیرفت، و اگر هم باید زیر بار آنها نرفت که

همه اش را باید رد نمود، اما اینکه رویات مربوط بنام ونسب و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و حیات و صدها مثال انهارا مسکوت گذاشته برخی دیگر را با حذف واسقاط و تحریف و تأویل بر شخص مورد نظر تطبیق نمود که اصلاً و ابداً صحیح نیست، و هیچ خدانشناسی بلکه انسات با شرفی به چنین خیانت و جنایتی حاضر نمی شود اقدام نماید.

1- از منتخب الاثر (صافی گلپایگانی)

## چگونه اعتراض می کنند؟

### طریقه ی هشتم

طریق ی دیگر که مؤلف برای نقض خاتمیت پیش کشیده بیان چگونگی اعتراض امم قبل نسبت به انبیاء الهی بوده و می نویسد انبیاء قبل که آمدند همه مورد اعتراض و تکذیب و تمسخرات قرار گرفتند و در این زمینه حسینعلی بهاء نیز در ایقان فصلی نوحه سرائی و ندبه وزاری نموده و از اعتراض و اعراض و استهزاء و ازار مخالفین نالیده است، و قسمتی زامطالب وی را نویسنده ی خاتمیت در این فصل آورده و اجمالاً این قبیل امور را از ناحیه ی مردم نسبت به بهاء الله یکنوع دلیل بر نبوت او و بالنتیجه وجهی برای رد خاتمیت گرفته؟! و شگفتا از این نوع استدلال که حقایق نظیر و مخصوص به پیروان این بدعت است، اگر به انبیاء الهی از ناحیه ی منکرین و دشمنان دین ناسزا و دشنام گفته شده، و نسبت به ان ذوات مقدسه انواع ستمها و ناروایی ها را واداشته اند، چه دلالت خواهد داشت بر اینکه هر کس مورد ستم و دشنام و افترا و ازار امت قرار گرفته باید پیغمبر باشد و پیروان ادیان حقه مگر بدلیل ازار و اعتراض بعض افراد امت

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

نسبت به انبیاء به انها گرویده ایمان آورده اند؟ و مگر بصر ف اینکه کسانی مورد نفی و ایذاء قرار می گرفتند ان رادرد عویشان تصدیق می نمودند؟

به هیچ منطق و در هیچ قاعده ی عقلی هیچگاه جهات نفی دلالت بر مطلبی نداشته و ندارد، و این دلیل اختراعی از ناحیه مؤلف خاتمیت و همکیشانش بکلی مردود و بی ارج است.

استدلال ایشان درست به این می ماند که کسی مدعی شود که مجانبین عموما پیغمبرند، چون مردم به انها مجنون می گویند، و پیغمبران راهم مجنون می خوانند.

دیگر اینکه مؤلف مذکور مدعی گردیده که امم سالفه نیز بحجاب خاتمیت محجوب گردیده و ملت یهود به استناد تورات دین خود را بادی می دانستند و نصاری مسیح را آخرین نبی می شناختند و به این وسیله از درک وصال محجوب محروم ماندند و به همین مرض امت اسلام مبتلا شده و به حجاب خاتم النبیین محتجب شده است. می گوئیم:

اولا استناد این دعوی به ملت یهود و امت نصاری که گفته شود انان نبی خود را خاتم انبیاء می دانسته اند باطل و بلا دلیل است و قران به اعلی صوت ناطق به ایمست که مسیح امت خودش را بشارت برسولی پس پس از خود بنام احمد داده است: «و مبشر ابرسول یأتی من بعدی اسمہ احمد» و اگر چنین قولی از ناحیه ی مسیح صادر نشده بود، روزیکه پیغمبر اسلام از زبان وحی این ایه ی مبارکه را اظهار فرمود مخالفین ان حضرت از ملت نصاری و قسب سبیین وی را در این گفتار تکذیب می نمودند و انانکه به تمام قواعلیه پیشرفت اسلام مجهز شده بودند می توانستند دروغ او و ادعای بشارت مذکور را که در ان صورت مأخذی در انجیل نداشت بر ملا کنند، ولی انان چنین کاری نکردند و نتوانستند بکنند و هیچ کجا چنین اعتراضی از جانب مسیحیان نسبت به پیغمبر اکرم (ص) نقل نشده و این بهائیه و پیروان بدعت جدیدند که از طرفی تظاهر بحقانیت اسلام

واسمانی بودن قران وصدق کلام نبی مکرم(ص) می نمایند، تا بتوانند دعاوی باطله ی خود را بصورت حق بجانبی به مردم بی اطلاع تلقین و تحمیل کنند، و از جانبی وقتی منافعشان اقتضا کند از هراهنائی به مقدسات اسلام، و لوبصورت نقل قول از دشمنان اسلام(که غالباً هم مجعول و ساخته و پرداخته ی خود آنهاست) خودداری و امتناع ندارند، بشارت بر ظهور پیغمبر اسلام چند جا در کتب عهدین موجود است.

1- کلمه ی «فارقلیطا» معرب «پراکلیت» و در اصل یونانی است، بمعنی پسندیده تر (احمد) و مترجمین اناجیل (نصاری) انرا تحریف نموده و تسلی بخش معنی کرده اند، و ریشه ی این تحریف کلمه ی «پراکلیت» یونانی است، بمعنی تسلی دهنده و در ترجمه از تشابه و نزدیکی پراکلیت یا پراکلیت سء استفاده شده، و بجای پسندیده تر، تسلی دهنده معنی نموده اند، و اگر ما بخواهیم مأخذ بشارت سابق الذکر (و مبشر ابرسول یأتی من بعدی اسمه احمد) را از انجیل بدست آوریم، باید ابتدا بدانیم که کلمه ی احمد معنای وصفی دارد و قابل ترجمه است، و قاعده در انجیل لفظ احمد با همین صورت (الف-ح-م-د) نیامده، بلکه کلمه ای که واجد معنی احمد باشد جای انرا گرفته که همان فارقلیط است. در انجیل چاپ قدیم مضبوط است که حضرت مسیح فرمود: «اگر مرادوست دارید احکام مرانگاه دارید، و من از پدر سئوال می کنم و «فارقلیط» دیگری به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما باشد، یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند، زیرا که اورامی بینیدومی شناسید زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود» بعدا کشیشان مسیحی این لفظ (فارقلیط) را تسلی دهنده ترجمه کردند و انرا از ماده ی «پراکلیت» گرفتند و در انجیل چاپ جدید بجای فارقلیط تسلی دهنده و معزی نوشتند. انجیل یوحنا باب 14 ایه ی 16 «اگر مرادوست دارید احکام مرانگاه دارید و من از پدر سئوال می کنم و تسلی دهنده ی دیگری به شما عطا خواهد کرد تا همیشه به شما بماند» بر این اطلاع بیشتر بر بشارت عهدین (انجیل و تورا) بوجود مسعود حضرت خاتم المرسلین صلی الله



علیه واله بکتاب «راهنمای یهودونصاری» تألیف علامه ی شهرستانی و «انیس الاعلام» تألیف فخرالاسلام، و تألیفات مرحوم علامه ی شیخ جواد بلاغی (ره) رجوع فرمایند.

در انجیل ظهور خاتم النبیین (ص) به آمدن «فارقلیطا» (1) معبر گشته، و بوجودان سرور بشارت داده شده و امت مسیح این بشارت را انکار ننموده اند، بلکه به علت تحریفات مترجمین انجیل در معنی فارقلیط و سایر بشارت در مصداق و شخصیت فارقلیطا برای آنان تردید پیش آمد و در ظهور وجود مقدس محمدی (ص) گروهی فارقلیطا را شناخته و ایمان آوردند، و گروهی تردید نموده اعراض کردند، و همچنین ملت یهود پیش از تجلی نور احمدی بنا به بشارت توراۀ انتظار مقدم مبارکش رامی بردند، و حتی به قبایل دیگر وعده می دادند که چون ان حضرت ظهور فرماید بنصرت نمودن او بر دیگران تفوق جویند و قران مجید به این حقیقت اشاره فرموده (ایه ی 83 سوره ی بقره) و همچنین در ایه ی 156 از سوره ی اعراف تصریح دارد که نام رسول اکرم در توراۀ و انجیل ذکر شده و می فرماید:

«الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراۀ و الانجیل... الایه» پیداست صراحت این آیات در ذکر بشارت بر وجود نبی اسلام در توراۀ و انجیل انهم باقید اینکه یهودونصاری نام و نشانه های ان حضرت را در ان کتب می یابند، گواه صدق مدعی مقام رسالت است، زیرا تصور ندارد که کسی مانند ان حضرت رویاروی اهل کتاب چنین مطلب مهمی را بتوراۀ و انجیل اسناد دهد، در حالی که واقعیت نداشته باشد، و اگر چنین بود وسیله ی خوبی برای تکذیب حضرت خاتم النبیین بدست دشمنانش می افتاد و برای اطفاء دعوتش انرا شایع می ساختند و بر فرض که این مقدار از بشارت در کتب عهدین باتمام تحریفات و دستکاریهایی که در انها شده است باقی نمی ماند باز جای اشکال نبود، زیرا اولاً بطور قطع کلمات و بیانات صادره از انبیای سلف، علی نبینا و علیهم السلام منحصر بمندرجات کتب عهدین نبوده، کما اینکه این

معنی نسبت به رسول اکرم(ص) واقعیت دارد، و ان حضرت سوای قران و فرمایشات دیگری داشته اند که تحت عنوان حدیث جمع اوری شده.

ثانیا- با دلایل روشن از نظر مسلمین کتب عهد عتیق و عهد جدید مغیر معتبر است، و برخی از بزرگان و دانشمندان بنام و مورخین محقق و نامی غرب به این موضوع اعتراف نموده و کتب عهدین را فاقد اعتبار و مشحون از خرافات و از ساخته های بشری می دانند (1) و عقیده دارند اناجیل چهار گانه پس از صلب حضرت مسیح نوشته شده، و بعد هانیز از تطاول دست محر فین نیز مصون نمانده و پولس مقدس انصاری بسیاری از احکام انجیل را تغییر داده، و تناقضات و مطالب خلاف عقل و اخلاق که در تورا و انجیل موجود است و فجایع و جنایات بزرگ که به انبیاء و پاکان نسبت داده شده و همچنین اختلافات کثیره که در تاریخ پیدایش اناجیل ذکر شده و بعض دانشمندان تاریخ تألیف انجیل «متی» را هشت سال و برخی پانزده سال و محققین بین 6. الی 7. سال پس از صعود حضرت مسیح می دانند و «لوقا» که یکی از اناجیل منسوب به اوست اصولا مردی مجهول الحال بوده و چنانکه در کتاب «قاموس کتاب المقدس» مذکور است شرح حالش پس از اسارتش معلوم نیست و دونفر از مؤلفین اناجیل (لوقا و مرقس) اساسا از جمله ی حواریین مسیح نبوده اند، و پیداست که گفتار انان نمی تواند سند موثق باشد، و از جمله اختلافات موجوده در اناجیل اینکه در انجیل لوقا جناب یسوع (مسیح) به 52 پشت به حضرت ابراهیم نسبت داده شده ولی متی در انجیل خود از مسیح تا ابراهیم علیهما السلام 4. پشت ذکر کرده و در این دو انجیل در اسماء اباء و اجداد مسیح نیز اختلاف است، در جائی مسیح را فرزند یوسف بن یعقوب و در جای دیگر وی را فرزند یوسف بن هالی نامیده، در کیفیت صلب مسیح نیز اختلاف است، به اختلافات عدیده و سایر جهاتی که در اینجامال

ذکر انهانیست. (1)

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

1- «کنت تولستوی» دانشمند و نویسنده ی مشهور روسی که خود از فرقه ی «ارتودکس» نصاری است گوید: (در مقدمه ی کتابش بنام انجیل تولستوی) «من التفات خوانندگان کتابم را به این مطلب توجه می سازم که در ضمن بیاناتم از تعلیمات مسیح گمان نبرند که من انجیل های چهارگانه را کتب مقدس و محل اعتماد و اعتبار می دانم، زیرا که این مطلب توهم و گمراهی واضحی است و باید خوانندگان بدانند که یسوع مسیح در زمان حیاتش هیچ کتابی را ننوشت، چنانچه (جه تو) نوشت، بلکه باید سقراط هم نبود که تعلیمات خود را به شاگردانی بگوید که آنها روشن خیال و بزرگ عقل باشند، البته چنین نبود، بدرستی که مسیح جاهلان ساده لوحی را که در مدت زندگی به انهامی رسید و در وطنش سکنی و زندگی داشتند تعلیم داد، و مسلمان پس از مرگ مسیح بزمانهای دور و در از بعضی مردم متوجه سخنان عیسی (ع) شده جایجا. بمناسبت سخنان و احوال او را بیاد می آوردند و بعد از صد سال آنچه را که از او بگوش شنیده و نقل شده بودند نوشتند، و باید خوانندگان بدانند که آنچه در این خصوص نوشتند بسیار زیاد بود و قسمت بزرگ آن نوشته ها از دست برفت، و از آنها در دست مردم نماند، مگر چیزهایی که در نهایت بی مغزی و بیمزگی بود و ابدا نمی شد که بر آنها کسی اعتماد کند... الخ»

«کلنل اینگر سال» دانشمند معروف امریکائی پس از اینکه کتاب خود را در ابطال تورات و انجیل نشر داد «مستر کلادستون» وزیر خارجه ی وقت دولت انگلیس مسافرت نمودنزد او رفت تا ویرا از نشر اینگونه مطالب باز دارد، عاقبت اینکار را نتوانست بکند. این شخص تحت عنوان: «چه کسی عهد جدید را نوشت» می نویسد: «علمای نصاری تصدیق دارند که بطور یقین نمی دانند چه کسی اینها را نوشته و اعتراف دارند که اگر انجیل چهارگانه را «متی» و «مرقس» و «لوقا» و «یوحنا» نوشته اند باید به زبان عبری نوشته باشند، ولی یک نسخه بزبان عبری یافت نشده، و تمامی آنها بزبان یونانی است»

(سپس می نویسد): «اولین ذکری که از اناجیل به میان آمد در 18 سال بعد از عیسی (ع) بود... الخ»

همچنین شخصیت‌های دیگر از علمای مسیحی غرب او کتب عهدین سلب اعتبار و سندیت نموده اند، مانند «جیروم» از علمای قرن چهارم مسیحی.

در مقدمه ی کتاب «یهودیت» و «دکتر ژرژ ژپوست» امریکائی صاحب کتاب معروف «قاموس الکتاب المقدس» منطبعه ی بیروت 1894 میلادی در همین کتاب.

1- مبلغین بهائیه در جلسات تبلیغی بهر مناسبت که اقتضای ما می‌باشد برای اینکه قول خلافی در برابر مسلمانان بگویند، در برابر این مطلب که کتب تورا و اناجیل تحریف شده، ایستادگی و دفاع می‌کنند، با اینکه می‌دانند عبدالبهاء امام و مقتدای انهادر مجموعه ی «مکاتیب جلد سوم صفحه ی 17.1. اعتراف به تحریف تورا می‌کنند می‌گوید: «قسمتی از تورا اضاغث و اجلام است و بعد از موسی تدوین یافته و اعتمادی بر ان هائست» و همچنین ابوالفضل گلپایگانی در کتاب «حجج البهیته» می‌گوید: «جز قسمت بسیار کمی از تورا باقی قابل استناد بحضرت موسی نیست» و همین عقیده را در صفحه ی 1.1 کتاب مذکور در باره ی اناجیل اظهار می‌دارد.

بنابراین وقتی دانستیم کتب دینی نصاری و یهود محرف و مخدوش و مسلوب الاعتبار است، دیگر صحیح نیست توقع کنیم حتماً بشارات مسیح و موسی بظهور پیغمبر اسلام امروز در این کتاب موجود باشد. با اینکه پس از این همه تحریفات باز بشارات بر ظهور نبی اسلام بشرح سابق الذکر در کتب موجود (عهدین) به قدر کافی برای اهل بصیرت وجود دارد در خاتمه ی این بحث ناگفته نگذاریم که استدلال مؤلف بقول یهود و نصاری که دین خود را آخرین دین می‌دانند نا تمام، بلکه نادرست است، زیرا بر فرض ثبوت این

مدعای دانیم که هر گاه ملتی به غلط در عقاید خود انحرافات پیدا کرد، وفی المثل اگر ملت یهود برخلاف واقع اظهارات انبیاء خودشان، دین کلیم را دین ابدی و شریعت موسی را شریعت مستدام دانستند، و یامت صلیب مسیح را آخرین نبی دانستند، این بحث و اعتراض بر ملت یهود و امت نصاری است که چنین اشتباهی را نمودند، و بر مسلمین که موافق نص قران و تصریح سنت نبوی، باید قران را آخرین کتاب اسمانی و اورنده ی ان را آخرین پیغمبر الهی بدانند بحثی نیست، و این قیاس غلطی است که برای مغلطه بکار برده شده و لیس الا.

## عقل چه می گوید؟

کل شریعة تؤسس علی فساد الاخلاق فهی شریعة باطله

«سعد ز غلول»

یکتاهویت و بزرگترین بخشایش الهی برای آدمیزادگان خرد و اندیشه ی استوار است و آنچه صنف بشر را بر سایر موجودات عالم مزیت و شرف بخشیده و کسوت عزت و کرامت بر اندام او پوشانیده و وی را لایق خطاب و تقدیر منابنی ادم ساخته است زیور عقل می باشد، و خداوند متعال گرامیتر از عقل موهبتی برای بشر در وجودش نیافریده و هر اندیشه ی صحیح و هر صفت نزیه و راه روشن هدایت مولود عقل است، و نور مقدس عقل جز بعدالت و عفت و راستی و قداست و فضیلت نخواند، و دامن پاک عقل از زنگار هوس و هوی و خشم و شهوت و تزویر و دروغ و هر ردیلت اخلاقی منزه و مبری باشد، هر خوی نیک و مخلصیت پسندیده که تصور رود از جنود عقل است، و هر ردیله و ناپسند که در نظر ایدزائیده ی جهل و نادانی است، و مدار پاداش و کیفر در نزد پروردگار بر معیار عقل است، و آدمی همه جا و همه وقت موظف

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

و مکلف بتفکر و تعقل می باشد، و درباره ی کسانی که از نعمت تعقل خود را محروم می سازند در زبان وحی به بدترین منزلت یاد شده، چنانکه می فرماید: «و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون» (پلیدی قرارداد شده بر کسانی که تعقل نمی کنند) و امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه» (زبان شخص دانا پشت دل اوست) کنایه از اینکه عاقل سنجیده سخن گوید، و نادان نسنجیده یاوه سراید.

در کتاب «اصول کافی» باب جداگانه ای (باب عقل و جهل) در بیان شرف و منزلت عقل تدوین یافته، و روایاتی از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین در این زمینه یاد آور شده و ضمن آن روایات تمام نیکی ها و فضیلت ها از جنود عقل بشمار آمده و همه ی شرور و بدی ها از جنود جهل محسوب گردیده، و در بیان فضیلت عقل حقی فروگذار نشده و بدیهی است سزاوارترین مردم بزیور عقل پیروان مکتب قران و امت خاتم المرسلین هستند که در حد کمال از ناحیه ی کتاب اسمانی و حجج طاهره مأمور به تفکر و تدبر گردیده، تاجائی که یک ساعت تفکر برای آنان بهتر از 60 سال بندگی و عبادت قرارداد شده، با این حال بسیار عجیب است کسانی که حتی یک گام در صراط عقل ننهادند و یکسره خود را از این عطیه ی الهی محجوب و محروم نموده، و همه در طریق تزویر و فریب رفته و گرفتار حوائل شیطان شده اند، مانند آنکس که خرما به هجر بر دمسلمانان رابه قضاوت عقل بخوانند، در حالی که خود خردهارا پشت سر انداخته و هوس را امام خویش قراردادند، و بر توسن مراد نشسته و در طریق جهل و هلاکت می تازند، از عقل سخن گویند و از شیوه ی خود فراموش کنند، که چگونه با عقل مقدس ستیزه می نمایند و راهشان مخالف مسیر عقل و دانش است، بحقیقت سوگند، که اگر لحظه ای تفکر می نمودند و عصبیت

رارهامی کردند و عقل خود را بکار می بردند عنایت حق شامل حالشان می گردید و بشریعه ی صافی هدایت وارد می شدند، و از کأس زلال رحمت سیراب می گردیدند، و لکن الله یهدی من یشاء.

مادر قسمت های گذشته ی این مکتوب تاجائی که مناسب رساله ی کوتاه و مساعد با ایجاز و اختصار بود مدعای بهائیت را در مسئله ی خاتمیت ذکر نموده و بجواب های روشن و کافی مبادرت ورزیدیم و برای خوانندگان محترم مبرهن گردید که این متحریران!!! حقیقت چسان با حقایق و واقعیات بازی می کنند و بر مبنای بسیار سست پایه های عقاید خود را استوار نموده و بنائی سست تراز خانه ی عنکبوت برپا ساخته اند، که به نسیمی بلرز دواز پادراید، و اینکه به اقتضای آخرین فصل نشریه ی خاتمیت (عقل چه می گوید) که مؤلف به گمان خود بسلاح عقل مجهز گردیده، مانیز این مسئله را صرف ادواری عقل و اگذاری کنیم و حکومت را از عقلا و خردمندان خواستاریم.

ما بحکم عقل خداداد و فطرت سلیم می دانیم که وضع ادیان و تشریح شرایع از ناحیه ی خدای مهربان بطور یقین برای تأمین سعادت واقعی و تکامل بشر در دنیا و آخرت است و انبیاء عظام و رسل کرام علیهم السلام حامل دستورالعملهائی برای بنی ادم بوده اند که در پر تو انجام ان دستورات رفاه و اسایش همگانی در دنیا و رستگاری و نجاح آخرت و عاقبت نیکو بر اینندگان خدا فراهم می گردد و اجمالاً هدف انبیاء اصلاح جامعه از رذائل و مفاسد و ذمائم اخلاق و ترویج و بسط مکارم و محاسن صفات و ایجاد عدالت اجتماعی و توجه دادن نفوس به جانی خدای عطوف رئوف و حی لایموت می باشد، و نیز این رامی دانیم تدوین قانونی همچون قوانین اسمانی که بتواند این سعادت را برای بشر کفالت کند از عهده ی کسی جز خداوند قادر یکتا که محیط به جمیع مصالح فردی و اجتماعی و مطلع به تمام علل و معالیل و تأثیر موجودات نسبت به یکدیگر و نحوه ی تأثیر آنها چه در جهان طبیعت، و چه در نشئه ی معنویت می

باشد ساخته نیست، و به ناچار باید قانون دین از جانب افریدگار جهان وضع و ابلاغ گردد. وظیفه ی بندگان تنها پذیرفتن و انقیاد و تسلیم و اجرای دین و انجام تکالیف آن بطوع و رغبت و بدون چون و چرا و ولایت و لعل است، و بدیهی است تسلیم و انقیاد آدمی در برابر شرایع الهیه به اجمعا که این تسلیم نظریه ضعف و عجز و جهل بشر از درک مصالح خود و نیل به فلسفه ی احکام موضوعه کاملاً موجه است، و او را بازمی دارد از اینکه در صدد برآید احکام و موضوعات دینی را تحت تحلیل و تحقیق عقلی و مدارک بشری در آورد و آنها را بوجوه و عللی موجه و معلل سازد.

اری مقدم بر احکام و مهمتر از آنها اصولی است که در همه ی دیانات حقه مشترک و عبارتست از شناسائی معبود و تصدیق بوجود افریدگار، پذیرفتن پیامبران، باور داشتن روزپاداش و کیفر و حشر، (معاد) که نسبت به این اصول در اساس آنها عقل بشرانهم به راهنمائی انبیاء گواه و مصدق و مؤید است، و لهذا مردم در اصول ادیان مکلف و مأمورند بتحقیق و اجتهاد و تفرس، و انبیای الهی این امور را ارشاداً به بشر تذکر می دهند، و آنان را به تعقل و امی دارند، و انسان بعد از مراجعه به عقل و فطرت خود بتذکر ارشادی انبیاء و متنبه می گردد، چنان که امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«و بعث الله فیهم رسله و و اتر الیهم انبیائه لیستادوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسی نعمته و لیثیرواللهم ذفائن العقول» (خداوند رسولان را در بین مردم برانگیخت و انبیاء را در فاصله های معین به سوی آنان فرستاد، تا از آنان ادای میثاق فطری الهی را مطالبه نمایند و یادآوری نمایند، نعمت فراموش شده را و برای مردم گنجهای خردهارا برانگیزانند).

نکته ی قابل دقت در این موضوع اینست آنچه شهرت یافته براینکه اصول عقاید را عقل مستقلا درک می کند و فروع را به تعلیم انبیاء فرامی گیرد مطلب ناتمامی است، متکلمین چنین پنداشته اند که ابتداء عقل به تنهایی اثبات صانع و توحید و نبوت و معاد را نموده و بعد به نبوت خاصه منتقل می گردد و بالنتیجه ملزم به

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!



پیروی از شریعت واحکام ان می شود، و حال آنکه برای عقل دشوارترین حکم مربوط به همان مبادو معادوبه تعبیر قران همان غیب است، و بجز مستقلات عقلیه از قبیل امتناع اجتماع و ارتقاع نقیضین و اینکه فی المثل کل بزرگتر از جزواست، و مساوی مساوی با چیزی با اوست، و امثال اینها که خیلی کم است در سایر امور تا محسوس به یکی از حواس نشود عقل درک صحیح و کامل ندارد و از این جهت گفته شده:

«من فقد حساً فقد علماً»

و فردوسی فرماید:

«خرد گرسخن برگزیندهمی  
همان برگزیند که بیندهمی»  
«بدین دانش وهوش ورأی وتوان  
ستودا فریننده راکی توان»  
«بهستیش باید که خستوشوی  
ز گفتارییکاریکسوشوی»

اگر واقعاً خود عقل می توانست خدا را بشناسد چرا بدون انبیاء هیچ بشری نتوانسته این معرفت را تحصیل نماید و چرا فلاسفه که نخبه ی عقلای عالمند و پیش از عموم طبقات عقول شان را ورزیده ساخته اند بخدا نرسیده اند و فلاسفه ی یونان که پدران فلسفه بشمارند بت پرست بودند، اری وقتی انبیاء می آیند و فطرتهارا بیدار می نمایند و عقول را در راه صحیح بکار می اندازند و طریق استدلال را می آموزند که:

«ویروهم الایات المقدره من سقف فوقهم مرفع ومهاد تحتهم موضع»

عقل براه می افتد و سخن انبیاء را می پسندد و می پذیرد و پی جوئی می کند و پس از پذیرش هم با هزاران چرا و برای چه دارد، مثلاً به دلیل به خدامعطی گفته شود، و یا عالم و حکیم بتوان گفت و عاقل و معلم جایز نباشد، اری کلی مطلب را که با هر گردنده گرداننده ای هست و هرائری مؤثر می خواهد و امثال این کلیات را عقل می تواند درک نماید.

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

در احکام فرعی نیز چنین است، عبادت برای تهذیب اخلاق و تلقین به نفس و عادت کردن بنظافت و نظم و امثال اینها عقل تا حدودی درک می نماید و نیز پرداخت وجوه شرعیه برای بهبود حال فقرا و مصالح عمومی و کارهای خیر و عام المنفعه، اینها اموری است که راههائی برای نفوذ عقل دارد، ولی در بسیاری از جزئیات احکام عقل عاجز است که فلسفه ی حکم را درک نماید، مثلاً چرا نماز صبح دور کعت و عشاء سه رکعت و بقیه چهار رکعت باشد، و حد نصاب چرا در زکوة اُچنان باشد و شرایط خمس چرا چنین، و قس علیهذا. پس مادر مرحله ی اول پیغمبر را به دلیل عقل قبول می کنیم و بحکم عقل واجب الاطاعه اش می دانیم، و بحکم عقل مدعی اطلاع بر رموز و اسرار جمیع ما مربه النبی نمی شویم، و خلاصه خود عقل باز عاجز خود را درک می نماید، پس اصول اعتقادی و فروع احکام باراهنمائی پیغمبر پذیرفته می شود، و تعبد هم بحکم عقل انجام می شود، و هیچگاه و در هیچ امری از اصول و فروع دین عقل بدون راهنمائی پیغمبر کاری نمی تواند کرد و هیچگاه هم بی نیاز از عقل نیستیم، بنابراین وقتی مانبی اسلام را به دلیل عقل به نبوت پذیرفتیم و بوسیله ی او بحقایق دین آشنا شدیم و بر ماسلم شد که او خود را آخرین پیغمبر و فرستاده ی خداوند خوانده است، دیگر مجالی نمی ماند که دیگران بنشینند و این موضوع (خاتمیت) را که بحث عقلی صرف در آن راه ندارد بخواهند بعقل نفی و یا اثبات کنند.

و در برابر نفوس متواتره از کلمات آن حضرت و صریح آیات قران و اعتراف همه ی مورخین بر این حقیقت باتشبت بتوجیها ت و تأویلات نادرست در آن تشکیک نمایند، و اگر ادیان سالفه هر یک دارای زمانهای محدود و برای امتی خاص بوده است، دلیل نمی شود که اسلام هم زمانش محدود و موقت باشد، و تشبت به اموری از قبیل اینکه فروع دین در هر دوری بمقتضای زمان طوری است و قیاس آینده به زمان گذشته از کوتاهی اندیشه و جهل بشر و ملازم با تردید در قدرت غیر متناهی مبداء تعالی عزاسمه است، و حضرت

باریتعالی دارای انچنان قدرت و حکمتی است که وقتی زمان مناسب شود وفاق افکار مردم در حدی قرار گیرد که بتوانند متحمل شریعت ابدی گردند، دین جاودانی خود را بوسیله ی نبی خاتم نازل گرداند و تا انقراض عالم تمام نسل های آینده را بهمان دین ممتحن ساخته و طالبان حق و سالکان توحید را فائز نموده بکمال نایل نماید، و چون همه ی مانی مکرّم اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه واله وسلم را به نبوت می شناسیم و او را امین وحی پروردگار و صادق می دانیم، و در باره ی او تردید نداریم که سخنی بگزارف و بی اذن حق متعال نفرموده «ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» و از طرفی ان بزرگوار به اعلا صوت خود را آخرین فرستاده ی الهی، و شریعت خود را شریعت ابدی معرفی نموده، (1) (1- ما اعتراف باب و بهاء در باره ی خاتمیت پیغمبر اسلام در صفحات قبل آورده ایم). لهدا ما هم می پذیریم و اظهار انقیاد می کنیم و وظیفه ای جز این نداریم، و پس از پیغمبر اسلام احتمال بعث نبی و ظهور دین جدید را محال و غیر ممکن می دانیم، و در این صورت بحث عقلی را نیز در مبحث خاتمیت بدلیل مذکور صحیح نمی دانیم.

آری اجمالا عقل قضاوت صحیح دارد بر اینکه دین برای اصلاح است، و مردم را به خیر و صلاح می خواند و قوانین ان جوری وضع و تشریح گردیده که این منظور عالی ازان حاصل می گردد، و لهدا بقول «سعد زغلول» «هر شریعتی که بر فساد اخلاق تأسیس یافته باشد ان شریعت باطل و دروغ است» این تلویح را برای ادای مقصود در این زمینه کافی می دانیم.

اتمام پذیرفت بعون الله تعالی

علی امیرپور

فروردین ماه 1338- مشهد مقدس

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

\* \* \*

[www.bahaismiran.com](http://www.bahaismiran.com)



منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

[bahaismiran@bahaismiran.com](mailto:bahaismiran@bahaismiran.com)

[bahaismiran@gmail.com](mailto:bahaismiran@gmail.com)

[info@bahaismiran.com](mailto:info@bahaismiran.com)

[bahaism1@yahoo.com](mailto:bahaism1@yahoo.com)

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!